



کتابچه سخنرانی
ویژه هیئات نوجوانی



محررم ۱۴۰۵





کتابچه سخنرانی

ویژه هیئت نوجوانی

محرم ۱۴۰۵

برای دریافت شیوه نامه راهبری هیئت نوجوانی می‌توانید به نشانی زیر یا رمزینه مراجعه
بفرمایید.

کتابخانه بنیاد ملی نوجوان به نشانی:

<https://nojavan.org/product-category/library/>





مقدمه

با فرا رسیدن ماه محرم و موسم زنده شدن فرهنگ ایثار، مقاومت و آزادگی، بار دیگر فرصتی فراهم آمده است تا نوجوانان این سرزمین، پیام عاشورا را در متن زندگی خود جاری سازند. محرم یادآور حقیقتی بزرگ در تاریخ اسلام است؛ اینکه راه امام حسین علیه السلام راه عزت، ایستادگی و بیداری ملت‌هاست؛ راهی که در طول تاریخ خاموش نشده و هر نسل باید سهم خود را در ادامه آن ایفا کند.

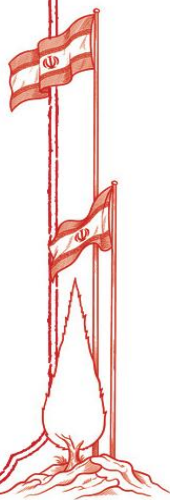
بنیاد ملی نوجوان امسال نیز با همراهی مجموعه‌های مردمی فعال در عرصه نوجوان، هیئت‌های مردمی، گروه‌های جهادی، تشکل‌های دخترانه و پسرانه و فعالان فرهنگی سراسر کشور، هم‌گام با **طرح ملی «زندگی با آیه‌ها»** مجموعه‌ای از برنامه‌ها و محصولات محتوایی را برای هیئت‌های نوجوانانه طراحی و آماده کرده است. این حرکت با محوریت شعار محرم امسال شکل گرفته است:

«در خیمه حسینیم، خونخواه و جانفداییم»

شعاری که یادآور یک حقیقت عمیق در فرهنگ عاشورا است؛ اینکه پیوند با امام حسین علیه السلام تنها یک پیوند احساسی یا تاریخی نیست، بلکه عهدی برای ایستادن در جبهه حق، دفاع از عزت امت اسلامی و ادامه راه شهیدان است.

در همین راستا تلاش شده است هیئت‌های نوجوانانه علاوه بر برگزاری مجالس عزاداری، به کانونی برای رشد هویت حسینی، تقویت روحیه مسئولیت‌پذیری و بروز کنشگری نوجوانان تبدیل شوند. بر همین اساس «**شيوه‌نامه راهبري هيئت‌های نوجواني**» طراحی شده است تا مسیر فعالیت هیئت‌ها را روشن‌تر کند و زمینه حضور فعال نوجوانان را فراهم آورد.

قالب‌هایی که در این شیوه‌نامه پیش‌بینی شده‌اند، با نگاه حضور در متن جامعه و در میان مردم طراحی شده‌اند؛ اقداماتی که نوجوانان را از فضای صرفاً درون‌هیئتی خارج کرده و به میدان‌های واقعی اجتماع، به‌ویژه در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌برد تا پیام عاشورا در میان مردم و به خصوص در میان نسل نوجوان منتشر شود.



در این چارچوب، برپایی **چهارپایه خوانی و دسته‌های عزاداری نوجوانان** مورد توجه قرار گرفته است؛ فضایی که در آن نوجوانان در نقش مداح، روایتگر و تبیین‌گر پیام عاشورا ظاهر می‌شوند و خود به حاملان پیام کربلا و خونخواهی شهدای ایران اسلامی در میان مردم تبدیل می‌گردند.

همچنین برگزاری **یادواره شهدای نوجوان** یکی دیگر از محورهای این برنامه است؛ مجال برای زنده نگه داشتن یاد نوجوانانی که در مسیر دفاع از دین، میهن و آرمان‌های بزرگ اسلامی به شهادت رسیدند و با ایثار خود چراغ راه نسل‌های بعد شدند.

از دیگر برنامه‌ها، برپایی **موکب نوجوان عاشورایی** است؛ جایی که نوجوانان با روحیه خدمت، همکاری و مسئولیت‌پذیری در فضای عزاداری حسینی حضور پیدا می‌کنند و تجربه‌ای واقعی از کار جمعی و خدمت به مردم را به دست می‌آورند.

پویش **نوجوان منتقم** نیز با هدف تقویت روحیه وفاداری به راه امام حسین (علیه السلام) و پاسداری از خون شهیدان خصوصاً رهبر شهید انقلاب طراحی شده است؛ پویشی که تلاش می‌کند نسل نوجوان را نسبت به مسئولیت تاریخی خود در ادامه مسیر حق و عدالت آگاه‌تر سازد.

در ادامه این حرکت، برنامه **امضای بیانیه خونخواهان رهبر و شهدای نوجوان** در قالب تومار نویسی نوجوانان پیش‌بینی شده است؛ اقدامی نمادین و هویتی که نشان می‌دهد نسل نوجوان ایران اسلامی خود را ادامه‌دهنده راه شهیدان و آماده دفاع از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی می‌داند.

در کنار این برنامه‌ها، بخش **بعثت هنری نوجوان** نیز به عنوان بستری برای بروز خلاقیت و استعداد نوجوانان در عرصه‌های فرهنگی و هنری در نظر گرفته شده است تا نوجوانان بتوانند پیام عاشورا را در قالب‌هایی همچون روایتگری، اجرای نمایشی، سرود، تولیدات رسانه‌ای و آثار هنری بازآفرینی و منتشر کنند.

همچنین **کتابچه سخنرانی ویژه نوجوانان** با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم در چارچوب طرح «زندگی با آیه‌ها» تهیه شده است تا هیئت‌های نوجوانان بتوانند محتوایی دقیق، الهام‌بخش و متناسب با ذهن و روحیه نوجوانان در اختیار داشته باشند و پیام عاشورا را به زبانی روشن و اثرگذار منتقل کنند.

امید است این مجموعه، زمینه‌ساز تعمیق فرهنگ عاشورایی، تقویت هویت حسینی و افزایش روحیه مسئولیت‌پذیری در میان نوجوانان ایران اسلامی باشد و گامی مؤثر در مسیر تربیت نسلی آگاه، پویا و متعهد بردارد؛ نسلی که با ایمان، غیرت و امید، خود را در خیمه امام حسین (علیه السلام) می‌داند و برای دفاع از حق و پاسداری از خون شهیدان آماده ایستادن است.

...: محرم ۱۴۰۵ شمسی

مرکز طرح و برنامه - حسین آقاجانی

محورهای کلیدی دهه اول محرم

شب	موضوع سخنرانی	شرح کوتاه‌ای از موضوع	آیه محوری	تطبیق با داستان تاریخی	تطبیق با شهدا و شخصیت‌های معاصر
اول	ما ابرقدرتیم چون خدای ابرقدرت را داریم	قدرت حقیقی از ایمان و توکل به خدا آغاز می‌شود نه از تجهیزات و امکانات ظاهری	آل عمران ۱۳۹ — وَلَا تَهْتَبُوا وَلَا تُنْزَبُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ	پیروزی مسلمانان در جنگ بدر با امکانات اندک	شهید حسن طهرانی مقدم و شکل‌گیری قدرت موشکی شاکل بر ایمان
دوم	جنگ؛ سکوی پیشرفت یک ملت	سختی‌ها و میدان‌های درگیری می‌توانند زمینه رشد و پیشرفت یک ملت شوند	بقره ۲۱۶ — كُنِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ... وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ	جنگ خندق (احزاب) و تبدیل تهدید بزرگ به عامل انسجام جامعه اسلامی	شهید مصطفی چمران و نگاه «جنگ به عنوان دانشگاه انسان‌سازی»
سوم	همینه پوشالی دشمن	شمن بیشتر با ایجاد ترس و جنگ روانی قدرت خود را بزرگ نشان می‌دهد	طه ۶۸-۶۹ — قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى	اجرای حضرت موسی و ساحران فرعون و فرو ریختن هیبت فرعون	شهید احمد کاظمی و روحیه شجاعت در برابر ارتش مجاهد دشمن
چهارم	افول دشمن؛ سنت قطعی الهی	نابودی جبهه باطل یک سنت تاریخی و الهی است	فتح ۲۲-۲۳ — سَيِّئَةُ اللَّهِ الَّتِي قَدْ حَلَّتْ مِنْ قَبْلُ	فتح مکه و فروپاشی قدرت مشرکان	شهید محمد بروجردی و شکست جریان‌های مسلح ضدانقلاب در کردستان
پنجم	اختلاف؛ آغاز شکست	تفرقه در جبهه حق باعث سستی و از دست رفتن قدرت می‌شود	انفال ۴۶ — وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحَكُمْ	ماجرای جنگ احد و ترک موضع توسط تیراندازان	شهید محمد ابراهیم همت و تأکید بر وحدت در جبهه‌ها
ششم	جنگ اقتصادی؛ فشار برای تسلیم	دشمن با فشار اقتصادی تلاش می‌کند مردم را از مسیر حق منحرف کند	منافقون ۷ — لَا تَتَّبِعُوا عَلِيًّا مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَضُوا	محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب	شهید سیدعباس موسوی و مقاومت در برابر فشارهای اقتصادی دشمن
هفتم	اسراف؛ نقطه آغاز سقوط	رفاه‌زدگی و اسراف می‌تواند جامعه را از مسیر قدرت و عزت دور کند	اعراف ۳۱ — كَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا	داستان قارون و سقوط او به دلیل غرور و ثروت‌زدگی	شهید قاسم سلیمانی به عنوان الگوی ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل
هشتم	دختران مؤمن؛ ستون‌های پنهان جبهه حق	دختران نوجوان و جوان نیز می‌توانند نقش‌های بزرگ تاریخی در جبهه حق ایفا کنند	تحریم ۱۱-۱۲ — وَضُرِبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعَوْنَ... وَمَرْزَمِ بْنِ عَبَّادٍ	نقش حضرت زینب (س) در رنده نگه داشتن پیام عاشورا	شهیده ناهید فاتحی کرجو
نهم	نه به صلح دلبلانه	صلحی که با پذیرش ظلم همراه باشد عزت یک ملت را نابود می‌کند	محمد ۳۵ — فَلَا تَهْتَبُوا وَتَذْعَبُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ	قیام امام حسین (ع) و نپذیرفتن بیعت با یزید	شهید محسن حججی به عنوان نماد عزت و تسلیم‌ناپذیری
دهم	استفاده در میدان‌های سخت	دعا و توکل در کنار تلاش، عامل پیروزی در میدان‌های دشوار است	بقره ۲۵۰ — رَبَّنَا أَلْعَنَّا عِلْبَانَ صَبْرًا وَتَبَّتْ أَعْدَامُنَا	نبرد طالوت و جالوت و پیروزی گروه اندک مؤمنان	شهید علی صیاد شیرازی و توکل و روحیه معنوی در میدان نبرد
یازدهم	خون شهید؛ آغاز یک بیداری	شهادت پایان راه نیست بلکه آغاز بیداری یک جامعه است	آل عمران ۱۶۹ — وَلَا تَحْسِبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتًا	بیداری پس از واقعه عاشورا و قیام‌های پس از آن	شهید مهدی زین‌الدین و الهام‌بخشی به نسل جوان
دوازدهم	خونخواهی شهدا؛ موتور حرکت تاریخ	ادامه راه شهدا جامعه را به سوی آینده‌ای عادلانه و آفق مهدوی حرکت می‌دهد	محمد ۷ — إِنْ تُضْرَبُوا اللَّهُ يَنْصُرْكُمْ	قیام‌های خونخواهی پس از عاشورا و استمرار نهضت حسینی	امام شهید آیت الله سید علی خامنه‌ای و تداوم مسیر مقاومت

فهرست

- شب اول: "ما ابر قدرتیم چون خدای ابر قدرت داریم" ۱۰
- شب دوم: "جنگ؛ سکوی پیشرفت یک ملت" ۱۵
- شب سوم: "افول دشمن؛ سنت قطعی الهی" ۲۰
- شب چهارم: "افول دشمن؛ سنت قطعی الهی" ۲۵
- شب پنجم: "اختلاف؛ آغاز شکست" ۳۰
- شب ششم: "جنگ اقتصادی؛ فشار برای تسلیم" ۳۵
- شب هفتم: "اسراف؛ نقطه آغاز سقوط" ۴۰
- شب هشتم: "دختران مؤمن؛ ستون‌های پنهان جبهه حق" ۴۵
- شب نهم: "نه به صلحِ ذلیلانه" ۵۰
- شب دهم: "استغاثه در میدان‌های سخت" ۵۵
- شب یازدهم: "خون شهید؛ آغاز یک بیداری" ۶۰
- شب دوازدهم: "خونخواهی شهدا؛ موتور حرکت تاریخ" ۶۵

شب اول

"ما ابرقدرتیم چون خدای ابر قدرت داریم"

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا
وَأَنْتُمْ أَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾

«و سستی نکنید و اندوهگین مشوید که شما
اگر مومن باشید، برترید»

آل عمران ۱۳۹

طلیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

به باران زلال چشم هابم اقتدا کردم
دورکعت درد دل از دوری ات پیش خدا کردم
تمام شب برای نرگس چشمت دعا کردم
نوی ندبه سر دادم به عهد خود وفا کردم
شنیدم بوی تربت را هوای کربلا کردم
بساط روضه مشک و علم رادست و پا کردم

شبی ابری شدم سجاده را با بغض وا کردم
دورکعت اشک باریدم دورکعت ناله سر دادم
تمام شب نگاهم خیره بر گلدان خالی بود
هوا روشن شد و من در هوای دیدن رویت
سرم بر روی سجده. مهر خیس از اشک هابم شد
به شوق اینکه هر جا صحبت سقااست می آیی

ما ابرقدرتیم چون خدای ابرقدرت داریم

گاهی وقتی اخبار دنیا را می بینیم، تصور می کنیم قدرت فقط در دست کشورهای است که ارتش های بزرگ، سلاح های پیشرفته و بودجه های نظامی عظیم دارند. نوجوانی که به این صحنه نگاه می کند ممکن است با خودش بگوید: «ما در برابر این قدرت های بزرگ چه داریم؟»

اما قرآن نگاه دیگری به ما می دهد.

خدای متعال در قرآن می فرماید:

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره آل عمران، آیه ۱۳۹)

«سست نشوید و اندوهگین نشوید، زیرا اگر ایمان داشته باشید شما برترید.»

قرآن نمی گوید شما برترید چون تجهیزات بیشتری دارید. نمی گوید چون جمعیت بیشتری دارید. می گوید اگر ایمان داشته باشید، شما برترید. یعنی معیار قدرت در منطق قرآن چیز دیگری است.

دنیا قدرت را با سلاح و ثروت می سنجد، اما خدا قدرت را با ایمان و اراده می سنجد.

وقتی یک ملت به خدا تکیه کند، حتی اگر امکاناتش کم باشد، می تواند در برابر قدرت های بزرگ بایستد.

برای فهم این حرف قرآن، بیایید یک صحنه تاریخی را با هم تصور کنیم.

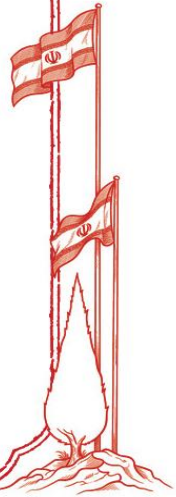
سال دوم هجرت است. مسلمانان در مدینه زندگی می کنند. هنوز جامعه اسلامی تازه شکل گرفته است. جمعیت مسلمانان کم است و امکاناتشان محدود.

در همین شرایط خبر می رسد که کاروان بزرگی از قریش در حال عبور است. مسلمانان برای مقابله حرکت می کنند، اما ناگهان با یک سپاه بزرگ روبه رو می شوند.

سپاه قریش نزدیک به هزار نفر است. آنها اسب، زره و سلاح های فراوان دارند.

در مقابل، مسلمانان فقط ۳۱۳ نفر هستند. بسیاری از آنها حتی سلاح کامل ندارند. برخی فقط یک شمشیر ساده دارند.

شب اول: "ما ابرقدرتیم چون خدای ابرقدرت داریم"



اگر با معیارهای ظاهری نگاه کنیم، نتیجه جنگ از قبل مشخص است. اما قرآن صحنه دیگری را روایت می‌کند.

خدای متعال درباره این نبرد می‌فرماید:

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ (سوره آل عمران، آیه ۱۲۳) «خدا شما را در بدر یاری کرد در حالی که شما ناتوان بودید.» در جنگ بدر اتفاقی افتاد که همه محاسبات مادی را به هم زد.

سپاه کوچک مسلمانان بر سپاه بزرگ قریش پیروز شد. این پیروزی فقط یک پیروزی نظامی نبود؛ یک پیام بزرگ داشت: قدرت واقعی از ایمان شروع می‌شود.

این همان منطقی است که قرآن به ما یاد می‌دهد.

حالا اگر از تاریخ صدر اسلام بپاییم به زمان نزدیک‌تر، باز هم همین حقیقت را می‌بینیم.

یکی از کسانی که این حقیقت را با تمام وجود فهمید، شهید حسن طهرانی مقدم بود. او را به عنوان پدر صنعت موشکی ایران می‌شناسند. همان فردی که شاگردانی همچون سید مجید و شهید حاجی زاده پرورش داده است. اما وقتی این شهید والامقام، کار خود را شروع کرد، شرایط اصلاً شبیه امروز نبود.

در خصوص پارسایی شهید همین بس که با داشتن درجه سرلشکری هیچ کس ایشان را نمی‌شناخت و روزی که به شهادت رسید حتی خبرگزاری‌های مطرح عکسی از وی برای انتشار خبر شهادت نداشتند. تمام خدماتی که انجام می‌داد به قول خودش چراغ خاموش بود و فقط آرزو داشت تا لبخندی بر لبان مقام معظم رهبری بنشانند.

فرزند شهید طهرانی مقدم بیان کرد: پدرم از جمله افرادی بود که بعد از دوران دفاع مقدس خلاء موجود صنعت موشکی را احساس کرد و با تحصیل در دانشگاه و فراگیری علم توانست این خلاء را برطرف کند و بنیانگذار صنعت موشکی باشد. شهید با این کار فهماند می‌توانیم روی پای خود بایستیم و برترین تکنولوژی‌ها را بومی‌سازی کنیم.

در آن زمان کشور ما تقریباً هیچ تجربه‌ای در حوزه موشکی نداشت. امکانات بسیار محدود بود. حتی برخی تجهیزات ساده هم در اختیار نبود.

در چنین شرایطی بسیاری می‌گفتند: «این کار شدنی نیست.»

اما شهید طهرانی مقدم یک باور عمیق داشت. او می‌گفت اگر ما اراده کنیم و به خدا توکل کنیم، می‌توانیم از صفر شروع کنیم.

همین باور باعث شد با تلاش شبانه‌روزی، قدم به قدم یک توان بزرگ شکل بگیرد.

امروز وقتی درباره قدرت موشکی ایران صحبت می‌شود، خیلی‌ها آن را یکی از عوامل بازدارندگی مهم در منطقه می‌دانند و شما هم در این دو جنگ تحمیلی ۱۲ و ۴۰ روزه، آن را حس کرده‌اید.

اما ریشه این قدرت فقط فناوری بود؟!

اگر فقط فناوری بود که اسرائیل و امریکای خبیث و جنایتکار از ما جلوتر بودند. اما ریشه آن قدرت، چی بود؟ ایمان و اراده بود.

اینجا یک نکته مهم برای نوجوان‌ها وجود دارد.

خداوند در طول تاریخ، گاهی یک ملت را برای یک مأموریت بزرگ آماده می‌کند.

گاهی یک نسل را برای یک حرکت تاریخی تربیت می‌کند. انگار خدا آن نسل را «مبعوث» می‌کند.

بعثت فقط مربوط به پیامبران نیست. گاهی یک ملت هم برای یک مسئولیت بزرگ در تاریخ مبعوث می‌شود. ما در تاریخ معاصر خودمان هم چنین تجربه‌ای را دیده‌ایم.

در سخت‌ترین شرایط، وقتی فشارها زیاد شد، وقتی دشمنان تصور کردند که می‌توانند این ملت را تسلیم کنند، ناگهان یک حرکت بزرگ در میان مردم شکل گرفت.

مردم به میدان آمدند. جوان‌ها به میدان آمدند. نوجوان‌ها هم به میدان آمدند. انگار خداوند یک ملت را بیدار کرد. انگار خداوند یک ملت را مبعوث کرد. و در این میان، نوجوان‌ها نقش مهمی داشتند.

تاریخ نشان داده است که بسیاری از حرکت‌های بزرگ با حضور جوان‌ها و نوجوان‌ها جان گرفته است. وقتی نوجوانی بفهمد که قدرت واقعی در ایمان و اراده است، دیگر خودش را کوچک نمی‌بیند. او می‌فهمد که می‌تواند در یک حرکت بزرگ نقش داشته باشد.

قرآن وقتی می‌فرماید: {وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا} یعنی نترسید، ناامید نشوید، خودتان را کوچک نبینید.

اگر ایمان داشته باشید، اگر اراده داشته باشید، اگر در مسیر حق بایستید، خداوند قدرتی به شما می‌دهد که شاید در محاسبات مادی قابل فهم نباشد.

جنگ بدر یک نمونه از این حقیقت بود. زندگی شهیدانی مثل طهرانی مقدم هم نمونه دیگری از همین حقیقت است. پس پیام امشب برای ما این است:

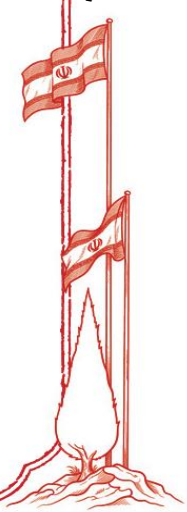
قدرت واقعی از ایمان شروع می‌شود.

اگر یک نوجوان ایمان داشته باشد، اراده داشته باشد و در مسیر حق بایستد، می‌تواند بخشی از یک حرکت بزرگ در تاریخ باشد. شاید امروز خیلی از شما فکر کنید که هنوز سن‌تان کم است و کار بزرگی از دستتان بر نمی‌آید.

اما تاریخ بارها نشان داده که نوجوان‌ها می‌توانند نقش‌های بزرگی ایفا کنند. شاید خداوند در زمان ما هم نسلی را برای یک مأموریت بزرگ آماده کرده باشد. شاید خداوند امروز هم نوجوان‌هایی را برای یک حرکت بزرگ مبعوث کند.

و اگر این اتفاق بیفتد، آن چیزی که این نسل را قدرتمند می‌کند نه ثروت است، نه امکانات، بلکه ایمان، امید و اراده است.

و این همان وعده‌ای است که قرآن به ما داده است: {وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ} اگر ایمان داشته باشید، شما برترید.



شب دوم

"جنگ؛ سکوی پیشرفت یک ملت"

﴿ كَتَبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالَ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ﴾

«جنگ بر شما مقرر شده است، در حالی که آن را ناخوش می‌دارید؛ و چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید در حالی که خیر شما در آن است، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید در حالی که شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید»

بقره ۲۱۶

طلیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

این سر شب زده، ای کاش به سامان برسد	قصه هجر من وماه به پایان برسد
دست این سائل بیچاره به دست نرسید	کاش با لطف تو این بار به دامان برسد
حال آن تشنه که با یاد تو سیراب شود	مثل این است که در دشت به باران برسد
کاش با دیدن تو جان بدهم آقا جان	قبل از آنی که ز هجرت به لبم جان برسد
گر مقدر شده، آید به سراغم اجلم	سببی ساز که در شام غریبان برسد
و پس از مرگ بیا جان عمولطفی کن	پیگرم تا حرم ساقی عطشان برسد

جنگ؛ سکوی پیشرفت یک ملت

یکی از سؤال‌هایی که خیلی وقت‌ها در ذهن نوجوان‌ها شکل می‌گیرد این است :

چرا در تاریخ این قدر جنگ وجود داشته است؟

چرا ملت‌ها گاهی وارد میدان‌های سخت می‌شوند؟

چرا خداوند اجازه می‌دهد چنین امتحان‌های بزرگی در زندگی انسان‌ها اتفاق بیفتد؟

قرآن کریم به این سؤال یک پاسخ دقیق می‌دهد. خداوند می‌فرماید:

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

«جنگ بر شما مقرر شده است، در حالی که آن را ناخوش می‌دارید؛ و چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید در حالی که خیر شما در آن است، و چه بسا چیزی را دوست داشته باشید در حالی که شر شما در آن است؛ و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.»

(سوره بقره، آیه ۲۱۶)

قرآن یک حقیقت مهم را به ما یاد می‌دهد: همه اتفاق‌های سخت لزوماً بد نیستند.

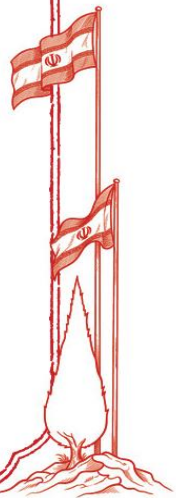
گاهی یک حادثه دشوار می‌تواند آغاز یک تحول بزرگ باشد.

در تاریخ اسلام نمونه روشنی از این موضوع وجود دارد.

چند سال پس از هجرت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به مدینه، دشمنان اسلام تصمیم گرفتند کار مسلمانان را یک‌باره تمام کنند. قبایل مختلف عرب با یکدیگر متحد شدند و سپاه بزرگی تشکیل دادند. هدف آنها نابودی کامل مدینه بود.

این جنگ در تاریخ به نام «جنگ احزاب» یا «جنگ خندق» شناخته می‌شود.

شب دوم: "جنگ؛ سکوی پیشرفت یک ملت"



مسلمانان وقتی از حرکت سپاه دشمن باخبر شدند، با پیشنهاد سلمان فارسی اطراف شهر مدینه خندقی حفر کردند تا مانع ورود دشمن شوند. روزها و هفته‌ها گذشت. دشمن پشت خندق متوقف شده بود و فشار سنگینی بر مسلمانان وارد می‌شد.

قرآن درباره فضای آن روزها می‌فرماید:

إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ (سوره احزاب، آیه ۱۰)

«آن هنگام که دشمنان از بالا و پایین بر شما هجوم آوردند و چشم‌ها از ترس خیره شد و دل‌ها به گلوگاه رسید.»

شرایط بسیار سخت شده بود. دشمنان زیاد بودند و محاصره طول کشیده بود.

اما نتیجه چه شد؟

در نهایت بدون اینکه دشمن بتواند وارد شهر شود، طوفان و اختلاف میان قبایل دشمن باعث شد سپاه احزاب عقب‌نشینی کند. این عقب‌نشینی یک نقطه عطف در تاریخ اسلام شد.

بعد از جنگ احزاب دیگر ابتکار عمل به دست مسلمانان افتاد. دشمنانی که آمده بودند اسلام را نابود کنند، در واقع زمینه قدرت گرفتن جامعه اسلامی را فراهم کردند.

گاهی یک میدان سخت، مسیر تاریخ را تغییر می‌دهد. اگر کمی به تاریخ نزدیک‌تر نگاه کنیم، نمونه‌های دیگری هم می‌بینیم.

شهید مصطفی چمران که هم دانشمند بود و هم رزمنده، نگاه جالبی به جنگ داشت. او درباره تجربه جنگ نوشته است: «جنگ ما را ساخت. جنگ، انسان‌های بزرگ را از دل سختی‌ها بیرون آورد.»

چمران سال‌ها در میدان‌های مختلف مبارزه حضور داشت. او از نزدیک دیده بود که چگونه در شرایط دشوار، انسان‌هایی تربیت می‌شوند که شاید در زندگی عادی هرگز چنین رشدی پیدا نمی‌کردند.

در میدان‌های سخت، انسان‌ها مجبور می‌شوند تصمیم‌های بزرگ بگیرند. ترس را کنار بگذارند. مسئولیت بپذیرند و برای یک هدف بزرگ تلاش کنند. به همین دلیل است که گاهی یک ملت در دل بحران‌ها رشد می‌کند.

نکته مهمی که برای نوجوان‌ها باید گفته شود این است که تاریخ همیشه توسط انسان‌های آماده ساخته می‌شود.

وقتی یک جامعه در شرایط سخت قرار می‌گیرد، ناگهان نسل‌هایی ظهور می‌کنند که مسئولیت‌های بزرگ را بر عهده می‌گیرند.

در چنین لحظه‌هایی انگار خداوند یک نسل را برای یک مأموریت تاریخی آماده می‌کند.

می‌توان گفت خداوند آن نسل را مبعوث می‌کند.

بعثت فقط یک مفهوم تاریخی نیست .

بعثت یعنی بیدار شدن یک نسل برای انجام یک وظیفه بزرگ.

در بسیاری از مقاطع تاریخ، نوجوان‌ها و جوان‌ها در مرکز این حرکت‌ها قرار داشته‌اند. آنها با انرژی، امید و شجاعت خود توانسته‌اند مسیرهای تازه‌ای باز کنند.

وقتی قرآن می‌گوید ممکن است در دل یک حادثه سخت خیر بزرگی پنهان باشد، دقیقاً به همین واقعیت اشاره می‌کند.

گاهی یک ملت در آرامش ظاهری زندگی می‌کند اما استعدادهای بزرگش پنهان می‌ماند.

اما وقتی یک امتحان جدی پیش می‌آید، توانایی‌های واقعی مردم آشکار می‌شود.

آن وقت است که انسان‌های شجاع شناخته می‌شوند .

آن وقت است که استعدادهای پنهان شکوفا می‌شود .

آن وقت است که نسل‌های جدید برای مسئولیت‌های بزرگ آماده می‌شوند.

برای همین قرآن می‌فرماید:

وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ

ممکن است چیزی را ناخوشایند بدانید، اما در حقیقت خیر بزرگی در آن نهفته باشد.

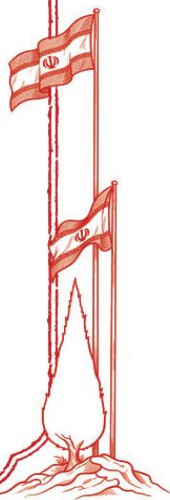
پیام امشب برای ما این است که سختی‌ها همیشه به معنای شکست نیستند.

گاهی سختی‌ها سکوی پرش یک ملت هستند.

گاهی در دل همان لحظه‌های دشوار، آینده‌های بزرگ ساخته می‌شود.

و در چنین لحظه‌هایی است که نوجوان‌ها می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند؛ نسلی که آماده حرکت است، نسلی که می‌تواند مسئولیت بپذیرد، نسلی که اگر ایمان و اراده

داشته باشد می‌تواند بخشی از یک تحول بزرگ در تاریخ باشد.



شب سوم

"هیمنه پوشالی دشمن"

﴿ قُلْنَا لَا تَخَفُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ وَآلِقِ مَا
فِي يَمِينِكَ تَلْفَ مَا صَنَعُوا ﴾

«گفتیم: نترس، تو برتری. آنچه در دست
داری بیفکن تا ساخته‌های آنان را فرو ببلعد»

طه ۶۸-۶۹

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

دارد زیاد می شود ابن زیاده
این روزها رها شده در دست پادها
دنیا شده ست مضحکه عدل و دادها
نفرین شوند باز هم این قوم عاها؟
نام تو تا همیشه بماند به یادها

رفته است آن حماسه خونین ز یادها
آقای عشق! پرچم سبز و مقدست
بهد از تو کفر و ظلم، زمین را گرفته است
ایا زمان آن نرسیده است در جهان
کی می شود که طالب خونت بیاید و

هیمنه پوشالی دشمن

یکی از چیزهایی که در طول تاریخ بارها تکرار شده، این است که قدرت‌های بزرگ سعی می‌کنند خودشان را شکست‌ناپذیر نشان دهند. آنها تلاش می‌کنند در ذهن مردم این تصور را ایجاد کنند که هیچ‌کس توان مقابله با آنها را ندارد.

گاهی این قدرت‌نمایی با سلاح و ارتش انجام می‌شود،
گاهی با رسانه و تبلیغات،

و گاهی با ایجاد ترس در دل مردم.

اما قرآن کریم به ما یاد می‌دهد که بسیاری از این قدرت‌ها در واقع «هیمنه پوشالی» دارند؛ یعنی ظاهری بزرگ دارند، اما وقتی در برابر اراده الهی فرار می‌گیرند، فرو می‌ریزند.

یکی از صحنه‌های جالب قرآن در این زمینه، ماجرای حضرت موسی علیه السلام و ساحران فرعون است.

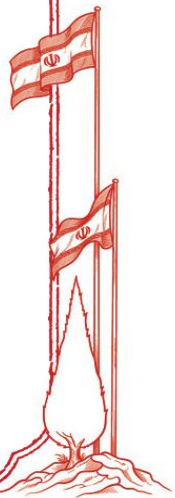
فرعون برای شکست دادن موسی، بهترین ساحران مصر را جمع کرد. آنها در روزی مشخص و در برابر جمعیت فراوان به میدان آمدند. قرآن آن لحظه را این‌گونه توصیف می‌کند:

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَابِقُ الْعَاثِمِينَ (سوره یونس، آیه ۸۱)

«موسی گفت: آنچه آورده‌اید سحر است و خداوند به زودی آن را باطل می‌کند.»

ساحران طناب‌ها و چوب‌های خود را انداختند و در چشم مردم چنین جلوه دادند که مارهایی در حال حرکت هستند. فضای میدان پر از هیجان و ترس شد.

شب سوم: "هیمنه پوشالی دشمن"



در همین لحظه خداوند به موسی فرمان داد:

فَلَمَّا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ وَاللَّيْقَ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفْ مَا صَنَعُوا (سوره طه، آیات ۶۸ و ۶۹)

«گفتیم: نترس، تو برتری. آنچه در دست داری بیفکن تا ساخته‌های آنان را فرو ببلعد.»

وقتی عصای موسی بر زمین افتاد، همه آنچه ساحران ساخته بودند از بین رفت. ناگهان همان ساحرانی که آمده بودند موسی را شکست دهند، حقیقت را فهمیدند و سجده کردند.

قرآن می‌فرماید:

فَالْقَبِي السَّحْرَةَ شَجَدًا قَالُوا أَمَّا رَبِّ هَازُونَ وَمُوسَى (سوره طه، آیات ۷۰)

«پس ساحران به سجده افتادند و گفتند: ما به پروردگار هارون و موسی ایمان آوردیم.»

این ماجرا یک درس مهم دارد.

آنچه در ابتدا بسیار بزرگ و ترسناک به نظر می‌رسید، در برابر حقیقت خیلی زود فرو ریخت.

قدرت فرعون سال‌ها مردم را ترسانده بود، اما در یک لحظه حقیقت آشکار شد.

در تاریخ معاصر هم بارها چنین اتفاقی افتاده است.

یکی از فرماندهانی که در دوران دفاع مقدس تجربه‌های زیادی از میدان جنگ داشت، شهید احمد کاظمی بود.

او سال‌ها در جبهه‌های مختلف حضور داشت و با ارتش مجهز رژیم بعث عراق روبه‌رو شده بود. در بسیاری از عملیات‌ها، نیروهای دشمن از نظر تجهیزات و امکانات برتری داشتند.

اما شهید کاظمی به نیروهایش یک نکته مهم را یادآوری می‌کرد. او می‌گفت: دشمن ممکن است تجهیزات بیشتری داشته باشد، اما اگر روحیه و ایمان نداشته باشد، این تجهیزات به تنهایی نمی‌تواند پیروزی بیاورد.

در میدان جنگ خیلی وقت‌ها دیده می‌شد که نیروهایی با امکانات کمتر، اما با اراده و روحیه بیشتر، توانستند کارهای بزرگی انجام دهند.

این همان حقیقتی است که قرآن به آن اشاره می‌کند.

گاهی دشمن بیشتر از آنکه قدرت واقعی داشته باشد، از «ترس» به عنوان یک ابزار استفاده می‌کند. اگر مردم بترسند، دشمن بدون جنگ هم می‌تواند به هدفش برسد. اما اگر ترس از بین برود، بسیاری از قدرتهای ظاهری فرو می‌ریزند.

به همین دلیل در قرآن بارها تأکید شده که مؤمنان نباید از هیاهوی دشمن بترسند.

خداوند می‌فرماید:

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُوا مِنِّي إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (سوره آل عمران، آیه ۱۷۵)

«این فقط شیطان است که دوستان خود را می‌ترساند؛ پس اگر ایمان دارید از آنان نترسید و از من بترسید.»

این آیه یک قانون مهم را بیان می‌کند.

یکی از ابزارهای اصلی دشمن «ترساندن» است.

گاهی با بزرگ نشان دادن قدرت نظامی،

گاهی با بزرگ نشان دادن قدرت اقتصادی،

و گاهی با بزرگ نشان دادن نفوذ رسانه‌ای.

اما وقتی انسان به خدا اعتماد داشته باشد، این ترس‌ها کم کم از بین می‌رود.

در چنین شرایطی یک اتفاق مهم رخ می‌دهد: مردم خودشان را ناتوان نمی‌بینند.

وقتی یک نسل بفهمد که بسیاری از قدرت‌های دنیا آن قدر که به نظر می‌رسند بزرگ نیستند، جرئت حرکت پیدا می‌کند.

در طول تاریخ بارها دیده‌ایم که خداوند ملت‌هایی را بیدار کرده و آنها را برای یک حرکت بزرگ آماده کرده است.

گاهی در چنین لحظه‌هایی، یک نسل به میدان می‌آید که احساس مسئولیت می‌کند و می‌خواهد در سرنوشت جامعه خود نقش داشته باشد.

می‌توان گفت در چنین زمان‌هایی خداوند آن ملت را مبعوث می‌کند؛ یعنی آنها را برای یک مأموریت بزرگ در تاریخ بیدار می‌کند.

وقتی یک ملت ترس را کنار بگذارد، قدرت‌های ظاهری دیگر نمی‌توانند به راحتی بر آن مسلط شوند.

پیام امشب این است:

بسیاری از قدرت‌هایی که در دنیا بسیار بزرگ به نظر می‌رسند، اگر با نگاه دقیق‌تری بررسی شوند، آن قدر هم شکست‌ناپذیر نیستند.

گاهی کافی است حقیقت آشکار شود تا آن هیمنه ظاهری فرو بریزد.

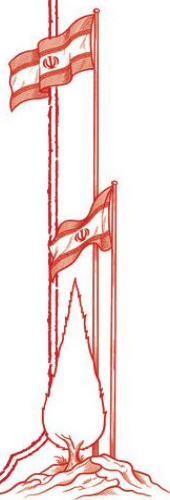
قرآن در ماجرای موسی و ساحران فرعون این حقیقت را به زیبایی نشان می‌دهد.

در آن میدان بزرگ، جایی که همه تصور می‌کردند موسی شکست خواهد خورد، خداوند به او فرمود:

لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى

ترس، تو برتری.

این جمله فقط یک پیام برای موسی نبود؛ یک پیام برای همه کسانی است که در مسیر حق حرکت می‌کنند.



شب چهارم

«افول دشمن؛ سنت قطعی الهی»

﴿وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْيَارَ
ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سُنَّةَ اللَّهِ
الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ
اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾

«اگر کافران با شما بجنگند، پشت کرده و فرار
می کنند، سپس هیچ سرپرست و یابوری
نخواهند یافت. این سنت الهی است که از
گذشته جاری بوده است و هرگز برای سنت
الهی تبدیلی نخواهی یافت»

فتح ۲۲-۲۳

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

بی تو تمام زندگی ما جهنم است!
تا جنگ بدر دیگرتان چند تا کم است؟
این راز سجده های ملائک به آدم است
دیگر بهار آمدن تو مسلم است
اما غروب مثل غروب محرم است!

دنیای بی نگاه تو تاریک و مبهم است
ای آفتاب سیمد و چندین قمر! بگو
نور تو خاموشی همه اعتراض هاست
با پنجه های ظلم به روی گلوی عدل
صبح طلوع جمعه دلم آفتابی است

افول دشمن؛ سنت قطعی الهی

در طول تاریخ همیشه قدرت هایی بوده اند که تصور می کردند برای همیشه بر جهان مسلط خواهند ماند. فرعون ها، قیصرها، امپراتوری ها، حکومت هایی که گمان می کردند هیچ کس توان مقابله با آنها را ندارد.

اما وقتی صفحات تاریخ را ورق می زنیم، یک حقیقت تکرار می شود:

هیچ قدرت ظالمانه ای برای همیشه باقی نمانده است.

قرآن کریم این واقعیت را به عنوان یک «سنت الهی» معرفی می کند؛ یعنی قانونی ثابت در تاریخ.

خداوند در سوره فتح می فرماید:

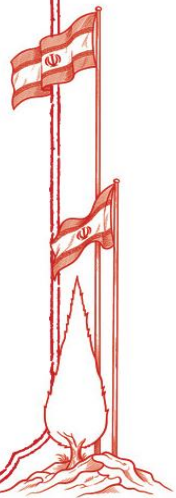
وَلَوْ فَاتَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا (سوره فتح، آیات ۲۲ و ۲۳)

«اگر کافران با شما بجنگند، پشت کرده و فرار می کنند، سپس هیچ سرپرست و یابوری نخواهند یافت. این سنت الهی است که از گذشته جاری بوده است و هرگز برای سنت الهی تبدیلی نخواهی یافت.»

قرآن می گوید شکست جبهه ظلم یک اتفاق تصادفی نیست؛ یک قانون الهی است.

در تاریخ اسلام یکی از روشن ترین نمونه های این سنت الهی، «فتح مکه» است.



سال‌ها قبل از آن روز، مسلمانان در مکه تحت فشار و آزار شدید بودند. بسیاری شکنجه شدند، برخی به شهادت رسیدند و در نهایت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله مجبور شد به مدینه هجرت کند.

همان مشرکانی که مسلمانان را از شهرشان بیرون کرده بودند، تصور می‌کردند کار اسلام تمام شده است.

اما چند سال بعد اتفاقی رخ داد که هیچ‌کس تصورش را نمی‌کرد.

پیامبر اسلام با سپاهی بزرگ به سمت مکه حرکت کرد. وقتی مسلمانان وارد شهر شدند، تقریباً بدون جنگ مکه فتح شد. شهری که روزی مرکز دشمنی با پیامبر بود، تبدیل به مرکز توحید شد.

بت‌هایی که سال‌ها در اطراف کعبه قرار داشتند، یکی پس از دیگری فرو ریختند و پیامبر این آیه قرآن را تلاوت می‌کرد:

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا (سوره اسراء، آیه ۸۱)

«حق آمد و باطل نابود شد؛ همانا باطل نابودشدنی است.»

این همان سنت الهی است. باطل ممکن است مدتی قدرت داشته باشد، اما دوام ندارد.

اگر کمی به تاریخ معاصر هم نگاه کنیم، نمونه‌های زیادی از این سنت الهی می‌بینیم.

یکی از فرماندهان برجسته دفاع مقدس، شهید محمد بروجردی بود. او سال‌ها در مناطق غرب کشور فعالیت می‌کرد؛ مناطقی که در آن زمان ناامن شده بود و گروه‌های مسلح مختلف در آنجا فعالیت داشتند.

شهید بروجردی یک ویژگی مهم داشت: او به مردم منطقه احترام می‌گذاشت و تلاش می‌کرد با آنها ارتباط صمیمی برقرار کند. به همین دلیل بسیاری از مردم او را «مسیح کردستان» می‌نامیدند.

او باور داشت که اگر مردم در کنار جبهه حق قرار بگیرند، هیچ دشمنی نمی‌تواند بر آن جامعه مسلط شود.

با تلاش او و بسیاری از نیروهای دیگر، آرام آرام امنیت به مناطق غربی کشور بازگشت. دشمنانی که تصور می‌کردند می‌توانند آن منطقه را برای همیشه ناامن نگه دارند، عقب‌نشستند.

این هم نمونه‌ای از همان سنت الهی است که قرآن از آن سخن می‌گوید.

البته یک نکته مهم در این میان وجود دارد.

سنت‌های الهی زمانی تحقق پیدا می‌کنند که مردم در میدان بمانند.

قرآن نمی‌گوید بدون تلاش و ایستادگی، پیروزی به دست می‌آید. بلکه می‌گوید اگر جبهه حق استقامت کند، نتیجه نهایی به نفع او خواهد بود.

در واقع خداوند به ملت‌ها فرصت می‌دهد تا در میدان امتحان قرار بگیرند. در چنین میدان‌هایی است که نسل‌ها شناخته می‌شوند.

گاهی در چنین لحظه‌هایی، یک ملت بیدار می‌شود؛ مردمی که احساس می‌کنند مسئولیت بزرگی بر دوش دارند.

می‌توان گفت در این شرایط خداوند آن ملت را برای یک مأموریت تاریخی مبعوث می‌کند.

بعثت فقط مربوط به پیامبران نیست؛ گاهی یک ملت برای یک حرکت بزرگ بیدار می‌شود.

در چنین زمان‌هایی نوجوان‌ها و جوان‌ها نقش مهمی دارند. آنها با انرژی، امید و شجاعت خود می‌توانند موتور حرکت یک جامعه باشند.

وقتی یک نسل باور کند که باطل ماندگار نیست، امید در دل‌ها زنده می‌شود.

دیگر کسی تصور نمی‌کند که قدرت‌های ظالمانه تا ابد باقی خواهند ماند.

قرآن با صراحت می‌گوید:

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

هیچ کس نمی‌تواند قانون‌های الهی را تغییر دهد.

ممکن است گاهی مسیر سخت باشد.

ممکن است دشمنان در مقطعی قدرت زیادی داشته باشند.

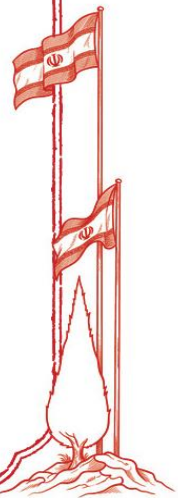
اما پایان داستان همیشه یکسان نیست.

تاریخ بارها نشان داده است که وقتی جبهه حق با ایمان و استقامت در میدان بماند، سرانجام ورق برمی‌گردد.

و آن روز، همان روزی است که حق آشکار می‌شود و باطل فرو می‌ریزد.

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا



شب پنجم

"اختلاف؛ آغاز شکست"

﴿ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا
فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ
اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾

«از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر
نزاع نکنید که سست می شوید و قدرت شما از
میان می رود؛ و صبر کنید که خداوند با
صابران است»

انفال ۴۶

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

تمام ناحیه خیس از دو چشم گریانش
 پر از ترنم غم کرده اشک سوزانش
 سلام آن که کند جان فدای جانانش
 بر آن تنی که نمودند نیزه بارانش
 سلام آن که کند جان خویش قربانش
 سلام آن که اگر بود کربلا، جانش،
 و می سپرد به شمشیرها گریانش
 علی الدوام شده ناله فراوانش
 به جای اشک روان، سیل خون ز چشمانش

غمی به وسعت عالم نشسته بر جانش
 شبیه ابر بهاری هوای ناحیه را
 سلام کرد به جدش سلامی از سر صدق
 سلام کرد بر آن گونه های خاک آلود
 سلام کرد بر آن بوسه گاه نورانی
 سلام آن که دلش زخمی مصیبت هاست
 میان طف، سپر نیزه و سنان می کرد
 سلام آن که اگر نبینوا حضور نداشت
 سلام آن که سرازیر می شود هر روز

اختلاف؛ آغاز شکست

در بسیاری از میدان‌های مهم تاریخ، شکست‌ها نه به خاطر قدرت زیاد دشمن، بلکه به خاطر اختلاف در داخل یک جبهه رخ داده است.

گاهی یک جمعیت بزرگ، یک هدف مشترک و حتی امکانات مناسب وجود دارد؛ اما وقتی میان افراد اختلاف ایجاد می‌شود، همان قدرت بزرگ به تدریج ضعیف می‌شود.

قرآن کریم به این مسئله توجه ویژه‌ای داده است. خداوند در سوره انفال می‌فرماید:

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَتَّزِعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (سوره انفال، آیه ۴۶)

«از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با یکدیگر نزاع نکنید که سست می‌شوید و قدرت شما از میان می‌رود؛ و صبر کنید که خداوند با صابران است.»

در این آیه قرآن یک زنجیره روشن را بیان می‌کند:

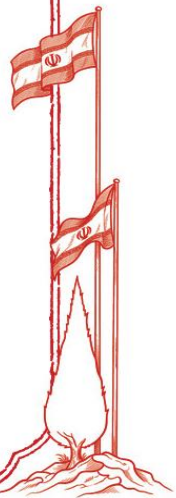
اختلاف → سستی → از بین رفتن قدرت

وقتی افراد یک جامعه به جان هم بیفتند، تمرکز از هدف اصلی برداشته می‌شود و دشمن بدون زحمت زیاد می‌تواند ضربه بزند.

یکی از نمونه‌های مهم این مسئله در تاریخ اسلام، «جنگ احد» است.

در ابتدای این نبرد، مسلمانان در موقعیت خوبی قرار داشتند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌گروهی از تیراندازان را بر روی تپه‌ای قرار دادند و به آنها سفارش کردند که حتی اگر دیدند مسلمانان پیروز شدند، جای خود را ترک نکنند.

شب پنجم: "اختلاف؛ آغاز شکست"



اما در میانه نبرد، وقتی برخی از تیراندازان تصور کردند جنگ تمام شده است، محل خود را ترک کردند تا از غنیمت‌ها سهم بگیرند.

همین اتفاق باعث شد خالد بن ولید که در آن زمان در سپاه دشمن بود، از پشت به مسلمانان حمله کند.

جنگی که می‌توانست با پیروزی کامل مسلمانان پایان یابد، ناگهان به یک وضعیت سخت تبدیل شد.

قرآن درباره آن روز می‌فرماید:

حَتَّىٰ إِذَا فُشِلْتُمْ وَتَنَزَّعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُم مَّا

«تا زمانی که سست شدید و در کار اختلاف کردید و نافرمانی نمودید.»

(سوره آل عمران، آیه ۱۵۲)

یعنی حتی در صدر اسلام هم این قانون برقرار بوده است:

وقتی اختلاف به وجود بیاید، مسیر پیروزی تغییر می‌کند.

اگر به تجربه‌های نزدیک‌تر هم نگاه کنیم، همین حقیقت را می‌بینیم.

شهید محمدابراهیم همت از فرماندهان برجسته دوران دفاع مقدس بود. او در عملیات‌های مختلف حضور داشت و به خوبی می‌دانست که یکی از خطرهای جدی در هر حرکت بزرگ، اختلاف داخلی است.

نقل شده است که او گاهی به نیروهایش می‌گفت:

«اگر بین خودمان درگیر شویم، دشمن دیگر زحمت زیادی نمی‌کشد.»

او تأکید می‌کرد که مهم‌ترین سرمایه یک جبهه، اعتماد و همدلی میان افراد آن است.

در میدان‌های سخت، وقتی افراد به یکدیگر تکیه کنند، کارهای بزرگی ممکن می‌شود. اما اگر فضای بی‌اعتمادی ایجاد شود، همان جمعیت قدرتمند به گروهی پراکنده تبدیل می‌شود.

قرآن در آیه‌ای دیگر یک تصویر زیبا از اتحاد ارائه می‌دهد:

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوفٌ (سوره صف، آیه ۴)

«خداوند کسانی را دوست دارد که در راه او در صفی منظم می‌جنگند، گویی بنایی استوار و به هم پیوسته‌اند.»

«بنیان مرصوص» یعنی ساختمانی که آجرهایش محکم به هم چسبیده است. اگر یکی از آجرها جدا شود، کل ساختمان آسیب می‌بیند.

جامعه هم همین‌طور است.

اگر افراد یک جامعه خودشان را جدا از هم ببینند، قدرت جمعی از بین می‌رود. اما اگر در کنار هم بایستند، توان آنها چند برابر می‌شود.

در مقاطع مهم تاریخ، گاهی یک ملت به نقطه‌ای می‌رسد که باید تصمیم بگیرد:

آیا اختلاف‌ها را بزرگ کند یا برای یک هدف بزرگ‌تر کنار بگذارد؟

در چنین لحظه‌هایی است که آینده یک جامعه شکل می‌گیرد.

نسل‌های جوان در این میان نقش مهمی دارند. آنها می‌توانند فضای جامعه را به سمت امید و همدلی بپزند یا برعکس، ناخواسته به اختلاف‌ها دامن بزنند.

هر نسلی که وارد میدان مسئولیت می‌شود، باید این حقیقت را بداند که اختلاف‌های بی‌دلیل می‌تواند فرصت‌های بزرگ را از بین ببرد.

اگر یک جامعه هدف مشترک خود را فراموش نکند و در کنار هم حرکت کند، توان آن بسیار بیشتر از چیزی خواهد بود که در نگاه اول به نظر می‌رسد.

به همین دلیل قرآن به مؤمنان هشدار می‌دهد:

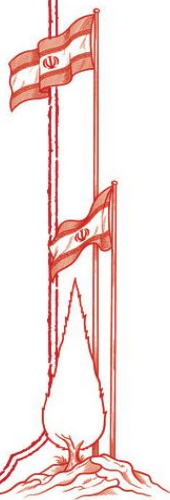
وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ

نزاع نکنید، زیرا در آن صورت سست می‌شوید و قدرت شما از میان می‌رود.

این آیه فقط درباره یک میدان جنگ نیست؛ درباره همه عرصه‌های زندگی اجتماعی است.

در هر جامعه‌ای که همدلی حفظ شود، مسیر پیشرفت باز می‌شود.

و هر جا که اختلاف‌های فرساینده شکل بگیرد، همان‌جا نقطه ضعف آن جامعه خواهد بود.



شب ششم

"جنگ اقتصادی؛ فشار برای تسلیم"

﴿ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيْنَا مِنْ
عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى يَنْفَعُوا ﴾

«آنها کسانی هستند که می‌گویند بر کسانی
که نزد پیامبر خدا هستند انفاق نکنید تا از
اطراف او پراکنده شوند»

منافقون ۷

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

روزي چشمان او فیضی دمام می شود
چشم هایش چشمه ی جوشان زمزم می شود
بی نگاه تو دل ما خانه ی غم می شود
فرصت دیدار دارد گونیا کم می شود
چون خم موی تو قامت هایمان خم می شود
مادری آماده ی ماه مُحرم می شود
زندگی بی گریه مانند جهنم می شود
مادرت صاحب عزای ذبیح اعظم می شود

خوش به حال عاشقی که با تو محرم می شود
عاقبت هر کس دلش را شستشو داد از گناه
پلک هایت باز کن درهای رحمت را میند
در سر و رویم شده پیدا کمی موی سپید
دلبر احرام بسته، لیلی خیمه نشین
بر مشامم می رسد هر لحظه بوی کربلا
مجلس روضه بهشت ماست بر زهرا قسم
سفره دار گریه بر ارباب شخصِ فاطمه است

جنگ اقتصادی؛ فشار برای تسلیم

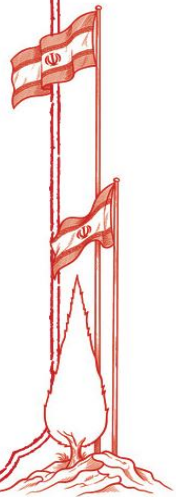
در طول تاریخ، دشمنان همیشه فقط با شمشیر و جنگ نظامی مقابله نکرده‌اند. گاهی روش‌های دیگری را انتخاب کرده‌اند؛ روش‌هایی که بدون شلیک یک گلوله می‌تواند یک جامعه را تحت فشار قرار دهد. یکی از این روش‌ها «فشار اقتصادی» است. قرآن کریم نشان می‌دهد که این شیوه حتی در زمان پیامبر اسلام نیز استفاده شده است. خداوند در سوره منافقون سخنی را نقل می‌کند که برخی از مخالفان پیامبر می‌گفتند:

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفَضُوا (سوره منافقون، آیه ۷)

«آنها کسانی هستند که می‌گویند بر کسانی که نزد پیامبر خدا هستند انفاق نکنید تا از اطراف او پراکنده شوند.»

این جمله یک نقشه اقتصادی است. دشمنان پیامبر می‌گفتند اگر راه‌های مالی بسته شود، مردم اطراف پیامبر را ترک می‌کنند و آن حرکت از درون تضعیف می‌شود. در واقع هدف این بود که با فشار اقتصادی، جبهه حق را مجبور به عقب‌نشینی کنند. در تاریخ اسلام نمونه بسیار روشنی از این نوع فشار وجود دارد: «محاصره اقتصادی شعب ابی‌طالب».

شب ششم: "جنگ اقتصادی؛ فشار برای تسلیم"



قریش تصمیم گرفتند مسلمانان و خاندان پیامبر را کاملاً تحریم کنند. آنها پیمانی نوشتند که هیچ کس حق خرید و فروش با بنی‌هاشم را ندارد، کسی با آنها ازدواج نکند و هیچ ارتباط اقتصادی با آنها برقرار نشود.

مسلمانان مجبور شدند حدود سه سال در دره‌ای به نام «شعب ابی‌طالب» زندگی کنند.

شرایط بسیار سخت بود.

مواد غذایی به سختی به دست می‌آمد.

فشارها شدید بود.

اما هدف دشمن چه بود؟

آنها می‌خواستند مسلمانان خسته شوند و از پیامبر فاصله بگیرند.

اما نتیجه چه شد؟

با وجود همه سختی‌ها، مسلمانان کنار پیامبر باقی ماندند. این محاصره اقتصادی نتوانست اراده آنها را بشکند.

در نهایت همان پیمان‌نامه‌ای که قریش نوشته بودند، طبق نقل‌های تاریخی به شکل عجیبی از بین رفت و تحریم پایان یافت.

این ماجرا یک درس مهم دارد:

فشار اقتصادی اگرچه سخت است، اما لزوماً باعث شکست یک جامعه نمی‌شود.

گاهی برعکس، همین فشارها باعث می‌شود مردم بیشتر به یکدیگر نزدیک شوند و راه‌های تازه‌ای برای ادامه مسیر پیدا کنند.

در دوران معاصر نیز نمونه‌هایی از این نوع مقاومت دیده می‌شود.

شهید سید عباس موسوی که بعدها دبیرکل حزب الله لبنان شد، سال‌ها در شرایط بسیار دشوار زندگی کرد. مردم جنوب لبنان در آن زمان با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو بودند و امکانات چندانی نداشتند.

اما او بارها تأکید می‌کرد که اگر یک جامعه روحیه خود را حفظ کند، فشارهای اقتصادی نمی‌تواند آن را از پا دربیآورد.

او معتقد بود بزرگ‌ترین سرمایه یک ملت فقط پول و امکانات نیست؛ بلکه ایمان، امید و همبستگی مردم است.

وقتی مردم یک جامعه کنار هم بایستند، حتی در شرایط محدود هم می‌توانند مسیر خود را ادامه دهند.

قرآن کریم نیز بارها به این نکته اشاره کرده است که روزی و امکانات در نهایت در دست خداوند است.

خداوند می‌فرماید:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا (سوره هود، آیه ۶)

«هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر عهده خداست.»

این آیه به انسان یادآوری می‌کند که نگرانی از آینده اقتصادی نباید باعث شود انسان از مسیر درست خود فاصله بگیرد.

البته اسلام هرگز توصیه نمی‌کند که جامعه در برابر مشکلات اقتصادی بی‌برنامه باشد.

تلاش، کار، تولید و مدیریت صحیح منابع بسیار مهم است.

اما در عین حال، قرآن هشدار می‌دهد که دشمن گاهی از اقتصاد به عنوان ابزار فشار استفاده می‌کند.

در چنین شرایطی آنچه یک جامعه را حفظ می‌کند، روحیه ایستادگی و اعتماد میان مردم است.

وقتی افراد یک جامعه به یکدیگر کمک کنند، فشارها قابل تحمل‌تر می‌شود.

در مقاطع مهم تاریخ، گاهی ملت‌ها با چنین امتحان‌هایی روبه‌رو می‌شوند.

در این لحظه‌ها، رفتار مردم آینده آن جامعه را رقم می‌زند. اگر مردم دچار ناامیدی شوند، دشمن به هدف خود نزدیک می‌شود. اما اگر امید و همکاری در میان جامعه زنده بماند، فشارها نمی‌تواند مسیر حرکت را متوقف کند.

نسل نوجوان نیز در این میان نقش مهمی دارد.

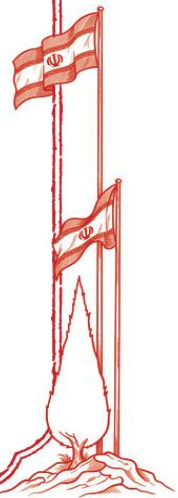
آنها می‌توانند با نگاه مسئولانه، با تلاش در علم و مهارت و با روحیه امید، به ساختن آینده کمک کنند.

قرآن در برابر نقشه‌هایی که برای تضعیف جامعه طراحی می‌شود، یک نگاه روشن ارائه می‌دهد:

لِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (سوره منافقون، آیه ۷)

«گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست.»

وقتی یک جامعه این حقیقت را باور کند، فشارهای اقتصادی هرچقدر هم سخت باشد، نمی‌تواند اراده آن را برای حرکت و پیشرفت از بین ببرد.



شب هفتم

"اسراف؛ نقطه آغاز سقوط جامعه"

﴿ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴾

«بخورید و بیاشامید، اما اسراف نکنید؛ زیرا
خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

اعراف ۳۱

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ز اشک دوستان پیداست؛ می دانم که می آیی
توتنها و علی تنهاست می دانم که می آیی
صدای ناله زهراست می دانم که می آیی
زمان، هر روز عاشوراست، می دانم که می آیی
به گوش زینب کبراست، می دانم که می آیی
شرار آتش دل هاست می دانم که می آیی
که مهدی مصلح دنیاست می دانم که می آیی

نگاه رحمتت بر ماست؛ می دانم که می آیی
گذشته چارده قرن و هنوز ای یوسف زهرا
به گوش شیعه از پشت در آتش زده گویی
به یاد کرپلا، کرب و بلا شد عالم امکان
هنوز آیات قرآن از لب جدّت به نوک نی
تماشای خیالی سر اصغر به نوک نی
به خون پاک مظلومان عالم می خورم سوگند

اسراف؛ نقطه آغاز سقوط جامعه

گاهی تهدیدهایی که یک جامعه را ضعیف می کند از بیرون شروع نمی شود؛
از درون آغاز می شود.

وقتی روحیه مصرف گرایی، تجمل و اسراف در یک جامعه گسترش پیدا کند، آرام آرام
ارزش های مهم تری مثل تلاش، قناعت و مسئولیت پذیری کمرنگ می شود.

قرآن کریم درباره این موضوع هشدار صریحی داده است. خداوند می فرماید:

يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ (سوره اعراف، آیه ۳۱)

«ای فرزندان آدم، زینت خود را هنگام هر نماز برگزید و بخورید و بیاشامید، اما
اسراف نکنید؛ زیرا خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد.»

اسلام استفاده از نعمت ها را منع نمی کند.

انسان می تواند از امکانات زندگی بهره ببرد.

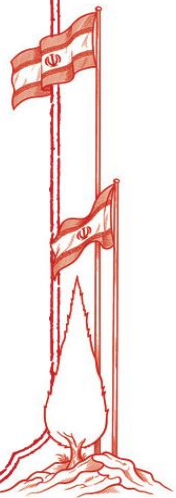
اما قرآن یک مرز مهم را مشخص می کند: اسراف.

اسراف یعنی مصرف بی حد و اندازه؛

یعنی وقتی انسان چیزی را نه به خاطر نیاز، بلکه برای نمایش، تفاخر یا عادت مصرف
کند.

تاریخ نشان می دهد که بسیاری از جامعه ها زمانی دچار ضعف شدند که گرفتار
رفاه زدگی شدند.

در قرآن نمونه روشنی از این مسئله وجود دارد: داستان «قارون».



قارون فرد بسیار ثروتمندی در میان بنی اسرائیل بود. قرآن درباره ثروت او می‌فرماید:

إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ

وَأَتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ (سوره قصص، آیه ۷۶)

«قارون از قوم موسی بود، اما بر آنان ستم کرد و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آن را گروهی نیرومند به سختی حمل می‌کردند.»

وقتی مردم به او گفتند که این ثروت را وسیله غرور قرار ندهد و در راه درست استفاده کند، پاسخ داد:

إِنَّمَا أُوتِيتهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي (سوره قصص، آیه ۷۸)

«این ثروت را به خاطر دانشی که نزد من است به دست آورده‌ام.»

او تصور می‌کرد همه چیز نتیجه توانایی شخصی خودش است.

اما پایان این داستان بسیار عبرت‌آموز است.

قرآن می‌فرماید:

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ (سوره قصص، آیه ۸)

«پس او و خانه‌اش را در زمین فرو بردیم.»

این داستان یک هشدار جدی است.

وقتی ثروت تبدیل به وسیله تفاخر شود و مصرف‌گرایی بر زندگی انسان مسلط گردد، آن جامعه به سمت ضعف حرکت می‌کند.

در نقطه مقابل این نگاه، در تاریخ معاصر انسان‌هایی بوده‌اند که با وجود مسئولیت‌های بزرگ، زندگی بسیار ساده‌ای داشتند.

شهید قاسم سلیمانی یکی از این نمونه‌ها بود.

او فرماندهی نیروهای بزرگی را بر عهده داشت و در عرصه‌های مهم منطقه‌ای نقش ایفا می‌کرد، اما سبک زندگی‌اش بسیار ساده بود. کسانی که با او کار کرده‌اند نقل می‌کنند که در بسیاری از مأموریت‌ها مثل یک رزمنده عادی در کنار نیروهایش زندگی می‌کرد و از تشریفات فاصله می‌گرفت.

این نوع زندگی یک پیام روشن داشت:

انسان اگر هدف بزرگی داشته باشد، اسیر تجملات نمی‌شود.

در سیره رهبر شهید انقلاب اسلامی، آیت‌الله سید علی خامنه‌ای نیز همین نگاه به خوبی دیده می‌شود.

ایشان بارها درباره خطر اسراف و مصرف‌گرایی هشدار داده‌اند. یکی از جملات معروف ایشان این است:

«اسراف فقط در ثروت‌های بزرگ نیست؛ گاهی در چیزهای کوچک هم اسراف می‌کنیم و همین‌ها وقتی در مقیاس یک ملت جمع می‌شود، تبدیل به خسارت بزرگ می‌شود.»

در زندگی شخصی ایشان نیز بارها نقل شده که نسبت به ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف بسیار حساس هستند؛ حتی در مسائل کوچک زندگی.

این نگاه نشان می‌دهد که مدیریت درست منابع فقط یک موضوع اقتصادی نیست، بلکه یک فرهنگ و یک نوع تربیت است.

اگر یک جامعه یاد بگیرد که میان استفاده از نعمت‌ها و زیاده‌روی تفاوت بگذارد، منابع آن جامعه بهتر حفظ می‌شود و فرصت‌های بیشتری برای پیشرفت به وجود می‌آید.

در مقابل، اگر مسابقه تجمل و مصرف‌گرایی شکل بگیرد، انرژی و سرمایه‌های زیادی در مسیرهای کم‌اهمیت مصرف خواهد شد.

نسل نوجوان امروز در شکل دادن به فرهنگ آینده جامعه نقش مهمی دارد.

سبک زندگی‌ای که امروز انتخاب می‌شود، می‌تواند آینده یک جامعه را قوی‌تر کند یا آن را دچار ضعف کند.

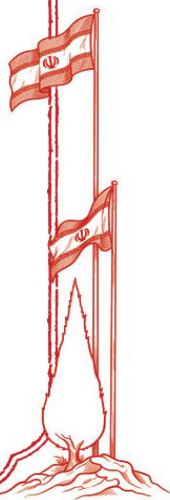
قرآن با یک جمله کوتاه اما بسیار مهم این اصل را بیان می‌کند:

إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد.

این جمله فقط درباره رفتار فردی نیست؛

هشدار است برای سلامت یک جامعه و آینده یک ملت.



شب هشتم

"دختران مؤمن؛ ستون‌های پنهان جبهه حق"

﴿ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ
فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا
فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ
وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ﴾

«و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را
مثال زده است؛ آن‌گاه که گفت: پروردگارا، نزد
خودت در بهشت خانه‌ای برای من بنا کن و
مرا از فرعون و عمل او نجات ده و از قوم
ستمکار رهایی بخش»

تحریم ۱۱

طبیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

ترس من از گذر جمعه تودانی که چه بود؟
 کربلا باز گذشت، ماه محرم طی شد
 عمر از نیمه گذر کرد شدم شهره شهر
 تو بیا پای بر این چشم ینه جان به فدای قدمت

گرد پیری که زمان، بر سر موربخت که ریخت
 خون عشاق تو را، باز عدو ریخت که ریخت
 حاصل عمر به جُستیدن و جور ریخت که ریخت
 غرضم دیدن رویت، آبرو ریخت که ریخت

دختران مؤمن؛ ستون‌های پنهان جبهه حق

وقتی درباره مبارزه میان حق و باطل صحبت می‌شود، خیلی وقت‌ها ذهن‌ها به سمت میدان جنگ و رزمندگان می‌رود.

اما قرآن وقتی تاریخ ایمان و مقاومت را بیان می‌کند، نشان می‌دهد که گاهی در دل همین میدان‌های بزرگ، انسان‌هایی هستند که شاید ظاهرشان ساده باشد، اما نقششان در تاریخ بسیار بزرگ است.

در میان این انسان‌ها، دختران مؤمن نیز جایگاه مهمی دارند.

قرآن برای همه مؤمنان - زن و مرد - الگو معرفی می‌کند، و جالب است که دو الگوی بزرگ ایمان را از میان زنان معرفی می‌کند.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِي لِي عِنْدَكَ نَبِيًّا فِي الْبَيْتِ

وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (سوره تحریم، آیه ۱۱)

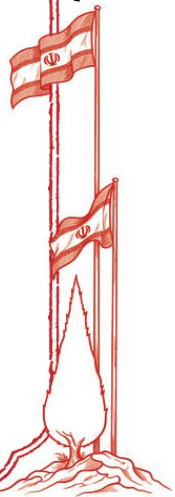
«و خداوند برای مؤمنان، همسر فرعون را مثال زده است؛ آن‌گاه که گفت: پروردگارا، نزد خودت در بهشت خانه‌ای برای من بنا کن و مرا از فرعون و عمل او نجات ده و از قوم ستمکار رهایی بخش.»

فرعون یکی از قدرتمندترین حاکمان تاریخ بود. کمتر کسی جرئت می‌کرد در برابر او بایستد.

اما در همان قصر فرعون، زنی زندگی می‌کرد که قلبش با ایمان زنده بود: آسیه.

او در محیطی زندگی می‌کرد که سراسر قدرت و ترس بود، اما ایمانش را پنهان نکرد و در نهایت برای همین ایمان جان خود را داد.

شب هشتم: "دختران مؤمن؛ ستون‌های پنهان جبهه حق"



بعد از آسیه، قرآن از شخصیت دیگری نام می‌برد:

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُنْتِ
وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ (سوره تحریم، آیه ۱۲)

«و همچنین مریم دختر عمران را مثال می‌زند؛ همان که دامان خود را پاک نگه داشت، پس از روح خود در او دمیدیم و او کلمات پروردگار و کتاب‌هایش را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود.»

مریم در زمانی زندگی می‌کرد که جامعه او آماده فهم حقیقتی که خدا برایش مقدر کرده بود، نبود.

با این حال او با ایمان و پاکی ایستاد و مأموریتی بزرگ را پذیرفت.

قرآن با معرفی این شخصیت‌ها می‌خواهد یک حقیقت مهم را نشان بدهد:

گاهی انسان‌هایی که مسیر تاریخ را تغییر می‌دهند، کسانی هستند که ایمانشان از سن کم شکل گرفته است.

اگر به واقعه عاشورا نگاه کنیم، نمونه‌ای روشن از این حقیقت را می‌بینیم.

در کنار امام حسین علیه السلام، دختران و زنان اهل بیت حضور داشتند؛ اما یکی از مهم‌ترین شخصیت‌هایی که پیام عاشورا را زنده نگه داشت، حضرت زینب سلام الله علیها بود.

او در مقابل حکومت یزید ایستاد و در کوفه و شام سخنرانی کرد؛ سخنانی که حقیقت کربلا را برای مردم آشکار کرد.

این نشان می‌دهد که گاهی در میدان‌های بزرگ تاریخ، شجاعت در زبان و ایمان در دل می‌تواند همان قدر اثرگذار باشد که شمشیر در میدان جنگ.

در زمان معاصر هم نمونه‌هایی از دختران شجاع و مؤمن دیده می‌شود.

یکی از این نمونه‌ها «شهیده ناهید فاتحی کرجو» است.

او دختری نوجوان از کردستان بود. پدر اهل سنت و مادر شیعه، خودش هم شیعه شده بود. در سال‌های ناامن ابتدای انقلاب، گروه‌های ضدانقلاب او را ربودند و از او خواستند علیه انقلاب و باورهایش صحبت کند. در دی ماه ۱۳۶۰ ناهید را که برای درمان دندان دردش به سمت درمانگاه شهر سنندج می‌رفت ربوده و بعد از ۱۱ ماه اسارت و وارد آوردن شکنجه‌های طاقت فرسا و زمانی که نتوانستند به هدف خود از ربودن ناهید برسند، در تاریخ هفتم آذرماه ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

مردم آنقدر از ضدانقلاب‌ها می‌ترسیدند که جرات نداشتند از ناهید حرفی بزنند و گاهی با خواهش و التماس‌های مادرم می‌گفتند که ناهید را کجا دیده‌اند. نیروهای ضدانقلاب به وسیله نامه با افراد معمولی برای خانواده پیغام می‌فرستادند: «اگر با سپاه و پیشمرگان گرد مسلمان همکاری کنید، فرزندان دیگرتان را هم می‌دزدیم.»

در تمام این مدت گروهک کومله مدام محل اسکان خود را تغییر می‌داد تا شناسایی نشوند. هر جایی خانواده نشانی از ناهید پیدا می‌کردند، آن‌ها قبل از رسیدن، از آن مکان رفته بودند. نیروهای کومله از ناهید خواسته بودند که اگر از راهش برگردد و به امام خمینی (ره) توهین کند، آزادش می‌کنند؛ اما ناهید که شیفته مکتب امام خمینی (ره) بود و سال‌های قبل از انقلاب مانند دیگر مردم چشم انتظار آمدن امام بود، قبول نکرده و گفته بود: «من به راه خود معتقدم و از آرمان‌های امام و انقلاب باز نمی‌گردم.»

بارها او را مورد شکنجه‌های وحشیانه‌ای قرار دادند؛ همه ناخن‌های دست و پایش را کشیده بودند، دستش را با سرنیزه قطع کردند؛ اما ناهید ذره‌ای در اعتقادات و آرمان‌هایش تردید نکرد. گروهک کومله وقتی به هدف خود که تغییر مواضع ناهید بود، نرسیدند، او را زنده به گور کردند.

ضد انقلاب حتی با به شهادت رساندن وی نیز آرام ننشست و تهدید کرد که اگر ناهید را به خاک بسپارید، دوباره او را از قبر بیرون می‌آورند و جسم بی‌جان‌ش را آرام نخواهند گذاشت. از این جهت، خانواده شهید او را به تهران منتقل کرده و پیکرش را در بهشت زهرا (س) به خاک سپردند.

خلاصه این دختر نوجوان حاضر نشد از اعتقاداتش عقب‌نشینی کند.

با وجود شکنجه‌های شدید، کوتاه نیامد و در ۱۱ ماه شکنجه تسلیم نشد؛ و در نهایت به شهادت رسید.

ایستادگی او نشان داد که گاهی ایمان در دل یک نوجوان می‌تواند از بسیاری از انسان‌های بزرگ‌تر محکم‌تر باشد.

رهبر انقلاب اسلامی نیز بارها درباره نقش دختران جوان در آینده جامعه سخن گفته‌اند.

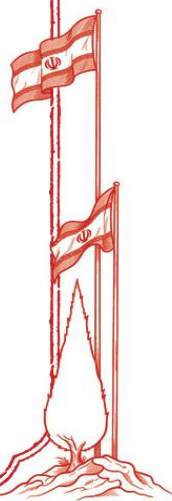
ایشان تأکید می‌کنند که دختران مؤمن می‌توانند در علم، فرهنگ، تربیت و ساختن آینده جامعه نقش‌های بسیار مهمی داشته باشند.

در یکی از سخنان خود می‌فرمایند:

«دختران جوان ما می‌توانند با ایمان، علم و شخصیت قوی، الگوی یک زن مسلمان پیشرفته در دنیا باشند.»

این نگاه نشان می‌دهد که نقش دختران فقط در آینده نیست؛ از همین امروز می‌توانند اثرگذار باشند.

قرآن با معرفی آسیه و مریم، تاریخ با معرفی حضرت زینب، و زمان معاصر با نمونه‌هایی مانند ناهید فاتحی کرجو یک حقیقت را نشان می‌دهد: گاهی ایمان‌های بزرگ از دل‌های جوان شروع می‌شود. و چه بسیار دختران نوجوانی که اگر ایمان و شجاعت را در دل خود پرورش دهند، می‌توانند در ساختن آینده یک جامعه نقش‌های بسیار بزرگ ایفا کنند.



شب نهم

«نه به صلح ذلیلانه»

﴿ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ
الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتْرَكَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴾

«پس سستی نکنید و در حالی که برترید، به
صلح دعوت نکنید؛ خدا با شماست و هرگز
پاداش اعمالتان را کم نمی‌کند»

محمد ۳۵

طبیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

نصیبِ چشمِ ترم خاک کربلا گردد
حسین گو که حرم در دلم بنا گردد
بگو که حق عزابت کمی ادا گردد
اگر برای شما روضه ای به پا گردد
که تربت حرمش خرج این عزا گردد
نوشت مادران سهم ما گدا گردد
مباد آن که به یک ناله اکتفا گردد
فراق هم به فراق تو مبتلا گردد

اگر عبورِ تو یک شب نصیبِ ما گردد
حسین گفتنِ تو می کند حسینه ام
حسین گو که مرا در این دهه بکشی
تو می رسی که سلامی کنی به گریه کنش
کمی ز شانه ی خود این عبار را بتکان
قرار بود مرا عاقبت به خیر کند
غرض ز مجلسان درکی از بصیرت هاست
ز ما گذشت عزیزم ولی خدا نکند

نه به صلح ذلیلانه

در تاریخ همیشه لحظه هایی وجود دارد که انسان یا یک ملت باید تصمیم بگیرد:
ایستادگی یا تسلیم.

گاهی دشمن تلاش می کند به جای جنگ مستقیم، با پیشنهادهایی ظاهراً آرام و منطقی، روحیه مقاومت را از بین ببرد. پیشنهادهایی که در ظاهر صلح است، اما در حقیقت نوعی تسلیم شدن در برابر ظلم است.

قرآن درباره چنین موقعیتی هشدار می دهد. خداوند می فرماید:

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكُمُ أَعْمَالِكُمْ (سوره محمد، آیه ۳۵)

«پس سستی نکنید و در حالی که برترید، به صلح دعوت نکنید؛ خدا با شماست و هرگز پاداش اعمالتان را کم نمی کند.»

این آیه درباره شرایطی است که جبهه حق در موضع قدرت و استقامت قرار دارد، اما دشمن تلاش می کند با پیشنهاد صلح، روحیه مقاومت را از بین ببرد.

قرآن می گوید در چنین موقعیتی نباید دچار سستی شد.

چون گاهی «صلح» فقط یک اسم زیبا برای «تسلیم شدن» است.

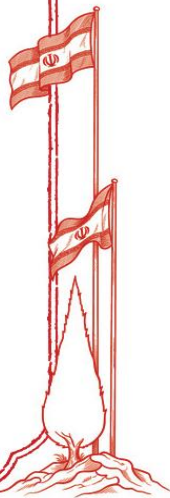
یکی از روشن ترین نمونه های این مسئله در تاریخ اسلام، ماجرای عاشورا است.

وقتی امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا قرار گرفت، حکومت یزید تلاش کرد با روش های مختلف او را وادار به تسلیم کند.

پیشنهاد اصلی آن ها ساده بود:

بیعت کن و ماجرا تمام می شود.

شب نهم: "نه به صلح ذلیلانه"



اگر امام حسین علیه السلام بیعت می کرد، نه جنگی رخ می داد و نه حادثه ای مثل عاشورا اتفاق می افتاد.

اما سؤال این است: چرا امام حسین علیه السلام این پیشنهاد را نپذیرفت؟
پاسخ روشن است.

چون آن بیعت در حقیقت به معنای تأیید حکومت ظلم بود.

اگر امام حسین علیه السلام تسلیم می شد، ظلم یزید مشروع جلوه می کرد و مسیر تاریخ تغییر می کرد.

به همین دلیل بود که امام جمله ای تاریخی فرمود:
«هیئات منا الذلّة» دور باد از ما ذلت.

این جمله فقط یک شعار نبود؛ یک اصل مهم در فرهنگ اسلامی است.

یعنی مؤمن ممکن است سختی را تحمل کند، اما عزت خود را از دست نمی دهد.

در زمان معاصر نیز نمونه هایی از این روحیه دیده می شود.

یکی از این نمونه ها «شهید محسن حججی» است.

محسن حججی از جهادگران و اعضاء فعال موسسه شهید کاظمی پس از ۲ روز اسارت، به دست تروریست های تکفیری در سوریه به شهادت رسید.

شهید محسن حججی به عنوان جهادگر فرهنگی در ترویج و تبلیغ کتاب بسیار فعال بود و در اردوهای سازندگی جهادی علاوه بر فعالیت عمرانی، در حوزه فرهنگی نیز دست به اقدامات جهادی می زد. همچنین شهید حججی در مدارس به تبلیغ کتاب می پرداخت و از زمره پیشگامان معرفی کتاب در نماز جمعه بود. شهید محسن حججی در نجف آباد استان اصفهان به معرفی و تبلیغ کتاب می پرداخت.

او از مدافعان حرم بود که در سوریه به اسارت گروه های تروریستی درآمد.

تصویری که از او در اسارت منتشر شد، در سراسر جهان دیده شد.

در آن تصویر، یک نکته بسیار قابل توجه بود: آرامش و عزتی که در چهره او دیده می شد.

در حالی که در اسارت دشمن قرار داشت، در چهره اش هیچ نشانی از ترس یا تسلیم دیده نمی شد.

همین تصویر برای بسیاری از مردم تبدیل به نمادی از عزت و استقامت شد.

رهبر انقلاب اسلامی درباره این شهید تعبیر قابل توجهی بیان کردند. ایشان فرمودند:

«این جوان با چهره آرام و باعزت خود نشان داد که ملت ایران در مقابل دشمن تسلیم نمی شود.»

این همان روحیه‌ای است که قرآن درباره آن سخن می‌گوید.

رجزخوانی مادران و همسران شهید را یادنان هست در همین جنگ ۴۰ روزه، پای جنازه همسر و پسر یا دختر شهیدشان چه رجزهایی که خواندند و از ادامه مقاومت گفتند و از این که دشمن بداند اشک و ضعف آنها را نخواهد دید.

از ادامه حماسه و جنگ سرودند...

یا آن خانواده‌ای که ۱۲ نفر از ایشان به شهادت رسیدند، خانه شان خراب شد، خم نشدند و سربلند راه می‌رفتند.

یا پلاکاردهایی که مردم می‌نویسند و مطالبه می‌کنند. پشت شروط ده گانه رهبری می‌ایستند و کوتاه نمی‌آیند!

پشت خونخواهی پدر امت می‌ایستند و فراموش نمی‌کنند و اعلام خونخواهی امام شهید و شهدای میناب رو دارند.

ایستادگی در برابر ظلم همیشه آسان نیست.

گاهی هزینه دارد، گاهی سختی دارد.

اما تاریخ نشان داده است که ملت‌ها و انسان‌هایی که عزت خود را حفظ کرده‌اند، در نهایت مسیر تاریخ را تغییر داده‌اند.

صلح واقعی زمانی ارزشمند است که همراه با عدالت و عزت باشد.

اما اگر صلح به معنای پذیرفتن ظلم باشد، دیگر صلح نیست؛ نوعی شکست است.

برای همین قرآن می‌گوید:

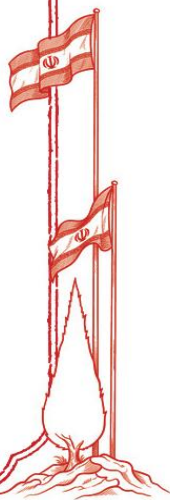
فَلَا تَهِنُوا

سست نشوید.

آقای شهیدمان مانند جدشان حسین فرمود: «مثلی لا یبایع مثل یزید»، انسان با شیطان بزرگ باید سر یک میز بشیند و صلح را دلیانه قبول کند!؟

این پیام فقط برای میدان جنگ نیست؛ برای همه موقعیت‌هایی است که انسان باید میان حق و تسلیم یکی را انتخاب کند.

و فرهنگ عاشورا به ما یاد داده است که مؤمن ممکن است سختی را بپذیرد، اما ذلت را هرگز نمی‌پذیرد.



شب دهم

"استغاثه؛ راز ایستادگی در میدان‌های سخت"

﴿ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
رَبَّنَا أفرغ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا
وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾

«و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهش قرار گرفتند گفتند: پروردگارا! بر ما صبر فروریز، قدم‌های ما را استوار گردان و ما را بر قوم کافران پیروز کن.»

بقره ۲۵۰

طلیحه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

از این خراب تر آفانمی شود حالم
به پختگی نرسیدم، چو میوه ای کالم
بدون رؤیت رویت گذشت هر سالم
بخشش، رنگ شما نیست رنگ اعمالم
بگیر دست دلم را، مریض احوالم
که هیچ نور امیدی نمانده در عالم
شبه جد غریبت اسیر گودالم
صدای نعل جدید و شروع جنجالم

شکسته بال و پر، و انمی شود بالم
هنوز هم که هنوز است در مسیر جنون
گذشت فرصت عمرم، سپید شد مویم
مرا ببخش که کمتر به یادتان بودم
فدای تار عبایت، بگیر دستم را
به غیر روضه و گریه، به غیر نور شما
میان روضه ی گودال این دلم گیر است
هنوز هم که هنوز است دل پریشان

استغاثه؛ راز ایستادگی در میدان های سخت

در تاریخ لحظه هایی وجود دارد که همه چیز به ظاهر علیه جبهه حق است. دشمن از نظر تجهیزات قوی تر است، امکانات بیشتر دارد و ظاهراً همه محاسبات مادی به نفع اوست.

در چنین شرایطی سؤال مهمی مطرح می شود:

انسان مؤمن در چنین میدان هایی چه تکیه گاهی دارد؟

قرآن یکی از پاسخ های مهم را در داستانی تاریخی بیان می کند؛ ماجرای نبرد طالوت و جالوت.

وقتی سپاه کوچک مؤمنان در برابر لشکر عظیم جالوت قرار گرفتند، قرآن صحنه ای از آن لحظه را چنین نقل می کند:

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا مَبِئَرًا وَثَبَّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (سوره بقره، آیه ۲۵)

«و هنگامی که در برابر جالوت و سپاهش قرار گرفتند گفتند: پروردگارا! بر ما صبر فرو ریز، قدم های ما را استوار گردان و ما را بر قوم کافران پیروز کن.»

نکته مهم این است که این دعا درست در لحظه رویارویی با دشمن گفته شد.

یعنی زمانی که میدان نبرد آماده بود، زمانی که احتمال شکست ظاهری وجود داشت، مؤمنان قبل از هر چیز دل خود را به خدا متصل کردند.

این همان چیزی است که در فرهنگ دینی از آن به عنوان «استغاثه» یاد می شود.

استغاثه یعنی انسان در سخت ترین لحظه ها امید خود را از دست نمی دهد، بلکه از خدا کمک می خواهد.

شبه دهم: «استغاثه؛ راز ایستادگی در میدان های سخت»



بعد از این دعا قرآن می‌فرماید:

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ (بقره، ۲۵۱)

«پس به اذن خدا آنان را شکست دادند و داوود جالوت را کشت.»

یعنی پیروزی از دل همان استغاثه و استقامت شکل گرفت.

اگر به واقعه عاشورا نگاه کنیم، همین حقیقت را می‌بینیم.

شب عاشورا شبی عجیب در تاریخ است.

در حالی که سپاه دشمن آماده حمله بود، در خیمه‌های امام حسین علیه السلام صدای عبادت، تلاوت قرآن و دعا شنیده می‌شد.

یاران امام آن شب را با نماز و مناجات گذراندند.

چرا؟

چون در جبهه حق، پیوند با خدا فقط یک مسئله فردی نیست؛ پشتوانه اصلی مقاومت است.

امام حسین علیه السلام و یارانش می‌دانستند که فردا میدان سختی در پیش است، اما دل‌هایشان به خدا آرام بود.

در تاریخ معاصر نیز نمونه‌های فراوانی از این روحیه دیده می‌شود.

شهید عبدالحسین برونسی یکی از فرماندهان دفاع مقدس بود. او پیش از فرماندهی، یک انسان ساده و اهل کارگری بود، اما در میدان جنگ به فرمانده‌ای شجاع تبدیل شد.

دوستانش نقل می‌کنند که پیش از بسیاری از عملیات‌ها، او مدتی طولانی به دعا و توسل می‌پرداخت.

برای او دعا یک کار تشریفاتی نبود؛ باور داشت که پیروزی واقعی از اتصال دل‌ها به خدا به دست می‌آید.

داستان توسل شهید برونسی به حضرت زهرا در یکی از عملیات‌ها یادتان هست که سر از سجده و توسل برداشت و گفت: سید کاظم! خوب گوش کن بین چی می‌گم. .. خودت برو جلو. با چشم‌های گرد شده ام گفتم: برم جلو چه کار کنم؟ گفت: هر چه می‌گم دقیقاً همون کارو بکن. خودت می‌ری سر ستون؛ یعنی نفر اول. به سمت راستش اشاره کرد و ادامه داد: سر ستون که رسیدی اون جا درست برمی‌گردی سمت راست، بیست و پنج قدم می‌شماری. مکث کرد با تأکید گفت: دقیق بشماری‌ها. مات و مبهوت فقط نگاهش می‌کردم. گفت: بیست و پنج قدم که شمردی و تموم شد همون جا یک علامت بگذار. بعدش برگرد و بچه‌ها رو پشت سر خودت ببر اون جا. .. وقتی به اون علامت که سر بیست و پنج قدم گذاشتی رسیدی، این دفعه رو به عمق دشمن، چهل متر می‌ری جلو. اون جا دیگه خودم می‌گم به بچه‌ها چه کار کنن. .. به اعتراض گفتم: حاج آقا! اصلاً حواست هست چی داری می‌گی؟ امانش ندادم و دنبال حرفم را گرفتم: این کار خودکشیه، خودکشی محض! محکم گفت: شما به دستور عمل کن که آن عملیات با پیروزی به اتمام رسید.

یا آیه «و ما النصر الا من عند الله العزيز الحكيم» که سخنگوی قرارگه خاتم الانبیا می گفت. یا توصیه های رهبر شهیدمان برای تلاوت سوره فتح و دعای صحیفه سجادیه، نماز استغاثه، دعای فرج ساعت ۱۱ شب، توکل ها و توسل های سربازان هوافضا، نگارش آیه «و ما رمیت اذ رمیت» و...

یا قرآن خوانی رهبر شهیدمان قبل از شهادت یا توسلات شهید حاج رمضان (محمدسعید ایزدی) در هنگام شهادت که همسر وی می گوید: «یقین دارم پیش و پس از نماز، دست ها را بالا می برد و برای دیگران دعا می کرد. به همین خاطر دست حاج آقا چند روز بعد از شهادت شان پیدا شد.»

گاهی خداوند در تاریخ، یک ملت را برای مأموریتی بزرگ آماده می کند.

می توان گفت در چنین لحظه هایی نوعی «بعثت یک امت» رخ می دهد؛ امتی که باید در برابر ظلم بایستد.

در دل چنین امتی، نسل نوجوان نیز نقش مهمی دارد.

رهبر انقلاب اسلامی بارها درباره نقش نسل جوان در میدان های بزرگ تاریخ سخن گفته اند. ایشان می فرمایند:

«در بسیاری از حوادث بزرگ انقلاب و دفاع مقدس، این جوان ها و نوجوان ها بودند که میدان را پر کردند.»

وقتی تاریخ دفاع مقدس را نگاه می کنیم، می بینیم بسیاری از رزمندگان سن زیادی نداشتند.

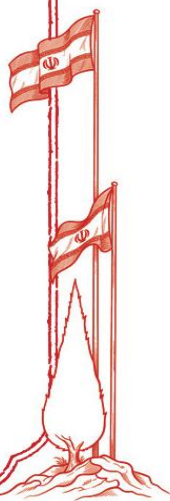
دانش آموزانی که تازه نوجوانی را پشت سر گذاشته بودند، اما در میدان های بزرگ مسئولیت های بزرگ پذیرفتند.

می توان گفت در آن سال ها نوعی «بعثت نوجوانان» رخ داد؛ نسلی که احساس کرد باید برای دفاع از حقیقت برخیزد.

استغاثه یعنی همین:

یعنی وقتی انسان احساس می کند مأموریتی بزرگ بر دوش اوست، دل خود را به خدا گره می زند.

و تاریخ نشان داده است که دل هایی که به خدا متصل می شوند، می توانند در سخت ترین میدان ها نیز سرنوشت را تغییر دهند.



شب یازدهم

" خون شهید؛ آغاز یک بیداری "

﴿ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ
اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ
فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ﴾

«گمان مکن کسانی که در راه خدا کشته
شده‌اند مرده‌اند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد
پروردگارشان روزی داده می‌شوند، در حالی که
به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده
شادمانند.»

آل عمران ۱۶۹-۱۷۰

طلیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

تهاترین غریب کجایی ظهور کن
آقا بیا دوباره حوالی قتلگاه
بر سینه ی حسین نشسته هنوز هم
داری شبیه فاطمه ها گریه می کنی
بر روی دست باد سوار است روی نی
با جامه های پاره به بازار می رود
این خاک، کربلاست و هر روز جاری است
ای بهترین حبیب کجایی ظهور کن
پیچیده بوی سیب کجایی ظهور کن
این شمر نانجیب کجایی ظهور کن
بر گونه تریب کجایی ظهور کن
زلفی که شد خضیب کجایی ظهور کن
این عترت غریب کجایی ظهور کن
این قصه ی عجیب کجایی ظهور کن

خون شهید؛ آغاز یک بیداری

در نگاه ظاهری، وقتی انسانی در راه حق کشته می شود، ممکن است تصور شود که یک انسان از میان رفته و یک زندگی پایان یافته است. اما قرآن نگاه کاملاً متفاوتی به مسئله شهادت دارد.

خداوند در قرآن می فرماید:

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ (سوره آل عمران، آیات ۱۶۹-۱۷۰)

«گمان مکن کسانی که در راه خدا کشته شده اند مرده اند؛ بلکه آنان زنده اند و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند، در حالی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده شادمانند.»

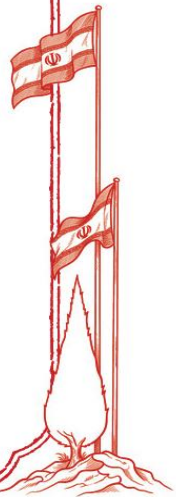
این آیه نگاه ما را به مسئله شهادت تغییر می دهد. در منطق قرآن، شهید از بین نمی رود؛ بلکه وارد مرحله ای دیگر از حیات می شود. اثر شهادت نیز فقط در عالم آخرت نیست. خون شهید در همین دنیا نیز آثار بزرگی در جامعه ایجاد می کند.

گاهی خون یک شهید می تواند جامعه ای را بیدار کند. مانند خون رهبر عزیزمون، بعثت و حرکتی ایجاد کرد که هنوز پی از گذشت بیش از صد و پانزده شب خاموش که نشده بلکه بیدارتر کرده.

این حقیقت را به روشنی در حادثه عاشورا هم می دیدیم. سرعت اطلاع رسانی و جوش و خروش مردم بود اما جامعه ای را تکان داد. در روز عاشورا، امام حسین علیه السلام و یارانش در ظاهر در برابر لشکری بزرگ قرار گرفتند و همه آن ها به شهادت رسیدند.

در نگاه ظاهری، حادثه کربلا یک شکست نظامی بود. اما همان خون ها، بزرگترین بیداری در تاریخ اسلام را ایجاد کرد و وجدان جامعه اسلامی بیدار شد.

شب یازدهم: "خون شهید؛ آغاز یک بیداری"



قیام‌های مختلفی علیه حکومت بنی‌امیه شکل گرفت؛ از قیام توابعین گرفته تا قیام مختار ثقفی.

مختار در کوفه قیام کرد و بسیاری از عاملان فاجعه کربلا را به سزای اعمالشان رساند.

این حوادث نشان می‌دهد که خون مظلوم هرگز در تاریخ خاموش نمی‌شود.

قرآن نیز به این حقیقت اشاره می‌کند.

خداوند می‌فرماید: وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أَحْيَاءٌ وَلَكِنَّ لَا تَشْعُرُونَ

«و به کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده نگوئید؛ بلکه آنان زنده‌اند، ولی شما درک نمی‌کنید.»

یعنی شهادت پایان نیست. شهیدان زنده‌اند و اثر آن‌ها در جامعه ادامه پیدا می‌کند.

در تاریخ معاصر نیز نمونه‌های فراوانی از این حقیقت دیده می‌شود.

در سال‌های دفاع مقدس، بسیاری از فرماندهان و رزمندگان جوان به شهادت رسیدند.

یکی از این چهره‌های برجسته شهید مهدی زین‌الدین بود. او در سن بسیار کم فرمانده لشکر شد. با وجود جوانی، روحیه‌ای عمیق و ایمانی قوی داشت. دوستانش نقل می‌کنند که او بسیار اهل تفکر و مسئولیت‌پذیری بود و همیشه به آینده انقلاب و کشور فکر می‌کرد.

زمانی که به شهادت رسید، بسیاری تصور می‌کردند که فقدان او ضربه بزرگی برای جبهه خواهد بود.

اما در واقع خون او الهام‌بخش نسل‌های بعد شد. جوانان بسیاری با شنیدن داستان زندگی او و دیگر شهیدان، احساس مسئولیت کردند و وارد میدان خدمت شدند.

رهبر شهید انقلاب اسلامی درباره نقش شهیدان در زنده نگه داشتن یک ملت تعبیر مهمی دارند. ایشان می‌فرمایند: «خون شهیدان ضامن بقای ملت‌هاست.»

یعنی اگر یاد شهیدان در یک جامعه زنده بماند، آن جامعه روحیه ایستادگی خود را از دست نمی‌دهد. در واقع شهیدان فقط قهرمانان گذشته نیستند؛ آن‌ها الهام‌بخش آینده‌اند.

گاهی خداوند در تاریخ یک ملت شرایطی ایجاد می‌کند که آن ملت باید برای دفاع از حق برخیزد.

در چنین لحظه‌هایی یک «امت مبعوث» می‌شود؛ امتی که باید در برابر ظلم بایستد.

در دل چنین حرکت‌هایی، نسل نوجوان نقش بسیار مهمی دارد.

وقتی تاریخ دفاع مقدس‌های ایران اسلامی را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که در جنگ تحمیلی اول بسیاری از رزمندگان سن زیادی نداشتند. بالغ بر ۳۶ هزار شهید دانش‌آموز داریم. یعنی در طول ۸ سال دفاع مقدس، هر روز ۱۲ شهید به انقلاب تقدیم می‌شد. در دفاع مقدس دوم و سوم که حدود ۱۵۰ تا شهید دانش‌آموز مدرسه شجره طیبه میناب، بیش از ۱۳۰ تا نوجوان تقدیم این درخت تنومند انقلاب شده.

و شما نوجوانانی دیروز در کلاس درس نشسته بودید، اما امروز در میدان‌های بزرگ مسئولیت‌های بزرگ قرار دارید. میدانی که از «بعثت نوجوانان» شکل گرفته. نسلی هستی که باید برای دفاع از حقیقت و عزت کشور خود قدم بردارید. شهیدان چراغ راه این نسل بودند.

خون شهیدان مسیر را روشن می‌کند.

هر نسلی که یاد شهیدان را زنده نگه دارد، می‌تواند راه آن‌ها را ادامه دهد.

اگر جامعه‌ای یاد شهیدان خود را فراموش کند، به تدریج روحیه ایستادگی را از دست می‌دهد.

اما اگر یک ملت به شهیدان خود افتخار کند و راه آن‌ها را بشناسد، آن ملت می‌تواند در برابر سخت‌ترین دشمنان نیز بایستد.

به همین دلیل است که گفته می‌شود شهادت پایان راه نیست؛

بلکه آغاز یک بیداری است. خون شهیدان مانند چراغ‌هایی در مسیر تاریخ می‌درخشند.

و هر نسلی که به این چراغ‌ها نگاه کند، راه خود را گم نخواهد کرد.

شاید در میان همین نوجوانانی که امروز در این مجلس حضور دارند، کسانی باشند که در آینده در میدان علم، خدمت، جهاد فرهنگی یا دفاع از کشور نقش‌های بزرگی ایفا کنند.

و این همان معنای ادامه راه شهیدان است.

رهبر شهید انقلاب اسلامی درباره اثر خون شهید تعبیر مهمی دارند. ایشان می‌فرمایند:

«خون شهید هدر نمی‌رود؛ خون شهید جامعه را زنده می‌کند و حرکت می‌آفریند.»

وقتی یک انسان در راه حقیقت جان خود را فدا می‌کند، در واقع یک چراغ در مسیر تاریخ روشن می‌کند.

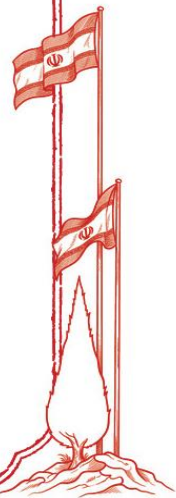
آن چراغ به نسل‌های بعدی نشان می‌دهد که راه کجاست.

گاهی خداوند در تاریخ یک ملت را برای حرکت بزرگی آماده می‌کند.

در چنین زمان‌هایی، یک «امت مبعوث» می‌شود؛ امتی که باید مسیر عدالت و مقاومت را ادامه دهد.

اما این مسیر فقط با حضور نسل‌های جدید ادامه پیدا می‌کند. شهیدان راه را نشان می‌دهند، اما ادامه راه بر عهده نسل‌های بعد است.

و هر نوجوانی که این حقیقت را بفهمد، می‌تواند خود را بخشی از این حرکت بزرگ بداند و نگذارد دگر مثل چنین روزی خیمه‌ای از سپاه اسلام بسوزد....



شب دوازدهم

" خونخواهی شهدا، موتور حرکت تاریخ "

﴿ إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
أَقْدَامَكُمْ ﴾

« اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری
می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌سازد »

محمد ۷

طلیعه (مناجات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه)

روز و شبش به یاد شما با خدا گذشت	طوبی لمن که روز و شبش با شما گذشت
امسال من به خدمت خیرالنسا گذشت	شکر خدا که سال مرا مادرت خرید
شب ها بدون گریه و حال بکا گذشت	با یک نگاه حال مرا روبه راه کن
حل می شود تمامی این قصه با گذشت	دور از توام به خاطر بد کردنم به تو
آب از سر گدای سر کوچه ها گذشت	برگرد ای بضاعت مزجات شهر عشق
در حسرت زیارت کربلا گذشت	یک اربعین تمام نفس های تنگ من
کز زیر سم مرکب آن اشقیا گذشت	هر روز گریه می کنی از روضه تنی
امسال هم بدون ظهور شما گذشت	باید دوباره جار کنم در تمام شهر

خونخواهی شهدا، موتور حرکت تاریخ

در طول تاریخ، هیچ حرکت بزرگی بدون فداکاری شکل نگرفته است .

هرجا ملتی به عزت رسیده، در پشت آن خون‌هایی ریخته شده و انسان‌هایی جان خود را در راه حقیقت فدا کرده‌اند. قرآن به ما یاد می‌دهد که اگر انسان‌ها در راه خدا بایستند، خداوند نیز آن‌ها را یاری خواهد کرد.

خداوند می‌فرماید:

إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ (سوره محمد، آیه ۷)

«اگر خدا را یاری کنید، خدا نیز شما را یاری می‌کند و گام‌های شما را استوار می‌سازد»

یاری خدا به این معنا نیست که انسان کاری نکند و فقط انتظار پیروزی داشته باشد .

یاری خدا یعنی ایستادن در جبهه حق، دفاع از عدالت و مقاومت در برابر ظلم.

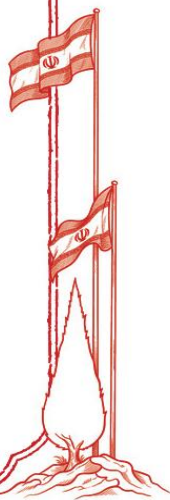
در طول تاریخ اسلام، یکی از بزرگ‌ترین نمونه‌های این ایستادگی حادثه عاشورا است. امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا به شهادت رسیدند، اما همان خون‌های پاک، تاریخ را متوقف نکرد؛ بلکه تاریخ را به حرکت درآورد.

در واقع خون سیدالشهدا موتور حرکت تاریخ شد.

بعد از عاشورا، موجی از بیداری در جهان اسلام شکل گرفت. قیام‌های مختلفی علیه ظلم بنی‌امیه آغاز شد و نام حسین علیه السلام به پرچم عدالت خواهی در تاریخ تبدیل شد. این همان حقیقتی است که نشان می‌دهد خون شهید هرگز خاموش نمی‌شود. خون شهید فقط یک حادثه در گذشته نیست؛ بلکه نیرویی است که اراده مقاومت را در یک ملت زنده نگه می‌دارد.

هرگاه جامعه‌ای یاد شهیدان خود را زنده نگه دارد، روح ایستادگی در آن جامعه خاموش نمی‌شود.

شب دوازدهم: "خونخواهی شهدا، موتور حرکت تاریخ"



در تاریخ معاصر ما نیز همین حقیقت دیده می‌شود.

در سال‌های دفاع مقدس، هزاران جوان و نوجوان برای دفاع از کشور به میدان رفتند. بسیاری از آن‌ها به شهادت رسیدند، اما خون آن‌ها جامعه را بیدار کرد.

بعد از آن نیز در میدان‌های مختلف، از دفاع از امنیت کشور تا دفاع از مظلومان منطقه، این روحیه ادامه پیدا کرد.

رهبر انقلاب اسلامی درباره نقش خون شهیدان تعبیر مهمی دارند. ایشان می‌فرمایند:

«خون شهیدان ضامن تداوم حرکت انقلاب است.»

یعنی اگر یاد شهیدان زنده بماند، حرکت یک ملت متوقف نمی‌شود.

خون رهبران شهید و مجاهدان راه حق، روح تازه‌ای در مقاومت می‌دمد. مثل همین خون رهبر شهیدمان که باعث بیداری یک امت اسلامی و حتی آزادگان عالم شد.

به همین دلیل است که در فرهنگ دینی ما، مسئله «خونخواهی شهدا» یک مفهوم بسیار مهم است. خونخواهی فقط به معنای انتقام گرفتن نیست. خونخواهی یعنی ادامه دادن راهی که شهیدان برای آن جان دادند. یعنی اجازه ندادن که آرمان‌های آن‌ها فراموش شود. یعنی حفظ عزت، استقلال و ایستادگی در برابر ظلم.

در حقیقت، خونخواهی شهدا موتور حرکت یک جامعه به سوی آینده است.

اگر این روحیه در جامعه زنده بماند، هیچ دشمنی نمی‌تواند اراده یک ملت را بشکند.

در سال‌های دفاع مقدس نمونه‌های زیادی از این روحیه دیده شد.

نوجوانانی که شاید دیروز در مدرسه بودند، اما وقتی احساس کردند کشورشان به آن‌ها نیاز دارد، به میدان آمدند.

می‌توان گفت در آن سال‌ها نوعی «بعثت نوجوانان» در جامعه شکل گرفت.

نسلی که احساس کرد مسئولیتی بزرگ بر دوش او قرار گرفته است.

امروز نیز آینده این کشور به همین نسل نوجوان وابسته است. «بعثت» شما نوجوانان می‌تواند کار را تمام کند.

اگر نوجوانان یک جامعه با ایمان، آگاهی و غیرت رشد کنند، آن جامعه می‌تواند مسیر تاریخ خود را تغییر دهد.

اما مقصد این مسیر فقط پیروزی‌های مقطعی یا منطقه‌ای نیست.

قرآن مقصد نهایی این حرکت را نیز بیان کرده است.

خداوند می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ (سوره توبه، آیه ۳۳)

«او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها پیروز گرداند، هرچند مشرکان ناخشنود باشند.»

این آیه افق نهایی حرکت تاریخ را نشان می‌دهد.

هدف فقط پیروزی در یک جنگ یا یک منطقه نیست؛

هدف غلبه نهایی دین حق و برقراری عدالت در جهان است. پس خونخواهی رهبر شهید، نایب امام باید زمینه ساز ظهور منجی و امام بشود...

در فرهنگ اسلامی، این وعده بزرگ با ظهور حضرت مهدی علیه السلام پیوند خورده است.

یعنی روزی که عدالت در سراسر جهان گسترش پیدا خواهد کرد.

اما رسیدن به آن روز، نیازمند حرکت ملت‌ها و تلاش انسان‌های مؤمن است.

در این مسیر، ایران قوی می‌تواند یکی از پایه‌های مهم این حرکت باشد.

ملتی که استقلال، ایمان و عزت خود را حفظ کند، می‌تواند در شکل‌گیری آینده جهان نقش داشته باشد.

می‌توان گفت میان خیمه امام حسین علیه السلام در کربلا و قرارگاه سربازگیری امام زمان علیه السلام یک پیوند عمیق وجود دارد.

کربلا مدرسه‌ای است که انسان‌ها را برای دفاع از حق تربیت می‌کند.

و هر نسلی که در این مدرسه تربیت شود، می‌تواند سرباز عدالت در آینده باشد.

به همین دلیل است که گفته می‌شود خونخواهی سیدالشهدا موتور حرکت تاریخ به سمت ظهور است.

عاشورا فقط یک حادثه در گذشته نیست؛ یک جریان زنده در تاریخ است.

و هر نسلی که پیام عاشورا را بفهمد، می‌تواند بخشی از این حرکت بزرگ باشد.

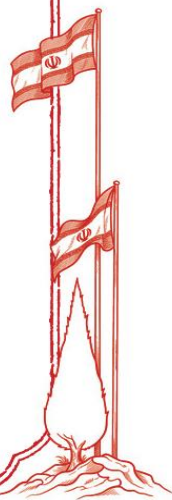
امروز نیز این مسئولیت بر دوش نسل جدید قرار دارد.

نسلی که اگر ایمان، غیرت و آگاهی داشته باشد، می‌تواند آینده‌ای روشن برای این سرزمین و برای جهان رقم بزند.

و چه بسا در میان همین نوجوانانی که امروز در این مجالس حضور دارند، کسانی باشند که فردا در مسیر دفاع از حق، خدمت به مردم و ساختن آینده‌ای عادلانه نقش‌های بزرگی ایفا کنند.

این همان بعثت نوجوانان است؛

نسلی که می‌تواند ادامه‌دهنده راه شهیدان و حامل پرچم عدالت در آینده باشد.



بنیاد ملی نوجوان امسال نیز با همراهی مجموعه‌های مردمی فعال در عرصه نوجوان، هیئت‌های مردمی، گروه‌های جهادی، تشکل‌های دخترانه و پسرانه و فعالان فرهنگی سراسر کشور، هم‌گام با طرح ملی «زندگی با آیه‌ها» مجموعه‌ای از برنامه‌ها و محصولات محتوایی را برای هیئت‌های نوجوانانه طراحی و آماده کرده است. این حرکت با محوریت شعار محرم امسال شکل گرفته است:

«در خیمه حسینیم، خونخواه و جانفداییم»

شعاری که یادآور یک حقیقت عمیق در فرهنگ عاشورا است؛ اینکه پیوند با امام حسین علیه السلام تنها یک پیوند احساسی یا تاریخی نیست، بلکه عهدی برای ایستادن در جبهه حق، دفاع از عزت امت اسلامی و ادامه راه شهیدان است.